

Explaining the Moral Predispositions of Accounting Students: An Analytical Approach to the Effectiveness and Development of Professional Ethics Education

Morteza Kazempour*

Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Financial Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

M.kazempour@khu.ac.ir

Mohammadjavad Sheikh

Associate Professor of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Financial Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. m.sheikh@khu.ac.ir

Elyas Tahmasbi

M.Sc. Student of Auditing, Department of Accounting, Faculty of Financial Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. ElyasTahmasbi@khu.ac.ir

Abstract:

Recent corporate scandals have increasingly underscored the imperative to reassess ethics education in accounting. Despite empirical evidence indicating ethical differences between accounting and non-accounting students, it remains unclear whether these differences stem from educational interventions or individual predispositions. This study aims to elucidate the ethical predispositions of accounting students and compare them with students from other business disciplines prior to their exposure to specialized training. This research employs a descriptive-survey methodology, with the statistical population comprising newly enrolled accounting and non-accounting students at public universities in Tehran during the academic year 2025-2026. From 513 distributed questionnaires, 344 complete responses were collected using convenience sampling. Data were gathered utilizing a multidimensional ethics scale and eight ethical scenarios, subsequently analyzed through structural equation modeling and multi-group analysis via AMOS software. The findings reveal that while no significant difference exists in overall ethical judgment between the two groups, accounting students exhibit a stronger inclination towards the ethical philosophies of contractualism and egoism. Conversely, no significant difference was observed between the groups regarding relativism. Furthermore, gender did not significantly influence ethical judgment. These findings not only confirm the role of self-selection in the choice of an accounting major but also underscore the necessity of designing targeted curricula based on these ethical predispositions. Educational programs should aim to reinforce the positive aspects of contractualism while moderating egoism and fostering critical thinking that transcends cultural norms.

Keywords: Ethical Predispositions, Accounting Students, Self-Selection, Contractualism, Egoism, Ethics Education.

Copyrights



This license only allowing others to download your works and share them with others as long as they credit you, but they can't change them in any way or use them commercial.

دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری- سال دهم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صفحه ۲۰۳-۲۴۹

تبیین پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان حسابداری: رویکردی تحلیلی بر اثربخشی و توسعه آموزش اخلاق حرفه‌ای

مرتضی کاظم‌پور^{۱*} محمد جواد شیخ^۲ الیاس طهماسبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

چکیده

رسوایی‌های شرکتی اخیر، ضرورت بازنگری در آموزش اخلاق حسابداری را بیش از پیش آشکار ساخته است. با وجود شواهد تجربی دال بر تفاوت‌های اخلاقی بین دانشجویان حسابداری و غیرحسابداری، مشخص نیست این تفاوت‌ها ناشی از آموزش است یا پیش‌گرایش‌های فردی. هدف این پژوهش، تبیین پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان حسابداری و مقایسه آن با دانشجویان سایر رشته‌های کسب‌وکار پیش از ورود به آموزش تخصصی است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن شامل دانشجویان جدیدالورود رشته‌های حسابداری و غیرحسابداری دانشگاه‌های دولتی تهران در سال ۱۴۰۴ است. از میان ۵۱۳ پرسشنامه توزیع شده، ۳۴۴ پرسشنامه کامل با روش نمونه‌گیری در دسترس جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از مقیاس چندبعدی اخلاق و هشت سناریوی اخلاقی گردآوری و با مدل معادلات ساختاری و آزمون چندگروهی در نرم‌افزار AMOS تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که اگرچه تفاوت معناداری در قضاوت اخلاقی کلی بین دو گروه وجود ندارد، اما دانشجویان حسابداری گرایش بیشتری به دو فلسفه اخلاقی قراردادگرایی و خودگرایی دارند. در مقابل، در گرایش به نسبی‌گرایی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. همچنین جنسیت تأثیر معناداری بر قضاوت اخلاقی نداشت. این یافته‌ها ضمن تأیید نقش پدیده خودانتخابی در انتخاب رشته حسابداری، بر ضرورت طراحی برنامه‌های درسی هدفمند بر اساس پیش‌گرایش‌های اخلاقی تأکید می‌کند. برنامه‌های آموزشی باید ضمن تقویت جنبه‌های مثبت قراردادگرایی، به تعدیل خودگرایی و ارتقای تفکر انتقادی فراتر از هنجارهای فرهنگی بپردازند.

کلیدواژه‌ها: پیش‌گرایش‌های اخلاقی، دانشجویان حسابداری، خودانتخابی، قراردادگرایی، خودگرایی، آموزش اخلاق

^۱ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

M.kazempour@khu.ac.ir

^۲ دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

m.sheikh@khu.ac.ir

^۳ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

ElyasTahmasbi@khu.ac.ir

۱- مقدمه

مجموعه‌ای از رسوایی‌های شرکتی در آغاز قرن حاضر، اهمیت آموزش اخلاق در حسابداری و ضرورت ایجاد بنیان‌های اخلاقی مستحکم در میان حسابداران آینده را برجسته ساخته است. امروزه اهمیت قضاوت‌های اخلاقی برای حرفه حسابداری و حسابرسی دوچندان شده و عدم رعایت اخلاق به تصمیمات اشتباه و به تبع آن رسوایی‌های مالی می‌انجامد (رفاهی بخش و محمدی، ۱۴۰۱). فرسایش اعتماد عمومی نسبت به حرفه حسابداری که در نتیجه این تخلفات مالی تشدید شده، مستلزم بازنگری فوری در نحوه ادغام اصول اخلاقی در آموزش دانشجویان رشته حسابداری است؛ چراکه تصمیمات اخلاقی حسابداران می‌تواند اثرات مطلوب یا نامطلوب گسترده‌ای بر سازمان داشته باشند (کامرانی و همکاران، ۱۴۰۲). این رسوایی‌ها نه تنها در سطح جهانی، بلکه در ایران نیز تأثیرات مشابهی داشته‌اند و ضرورت توجه به اخلاق حرفه‌ای را در نظام آموزشی حسابداری برجسته کرده‌اند (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۳). اخلاق حرفه‌ای یکی از شاخه‌های اخلاق است که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ دهد؛ اخلاق حرفه‌ای به گونه ذاتی از مسئولیت فرد در قبال رفتار خود به عنوان فرد انسانی و حتی مسئولیت فرد در قبال رفتار شغلی بحث نمی‌کند، بلکه از مسئولیت سازمان یا بنگاه به عنوان یک واحد حقوقی در قبال همه عناصر محیط داخلی و خارجی سازمان سخن به میان می‌آورد (حاجیها و رجب‌دری، ۱۳۹۶). حرفه حسابداری، تغییرات مهمی در طی چندین دهه اخیر داشته و افرادی که به حرفه راه می‌یابند، نقشی بسیار فراتر از آنچه که در گذشته به حسابداران محول می‌شد، بر عهده دارند (ناظمی اردکانی و جمالی، ۱۳۹۴). مسائل اخلاقی چالش‌برانگیز، گزارشگری‌های متقلبانانه، افزایش قوانین و مقررات و تغییر استانداردهای گزارشگری، بر افرادی که رشته حسابداری را برمی‌گزینند و همچنین بر عوامل انتخاب شغل اثرگذار است (هالت و همکاران، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌های ایران با چالش‌هایی مانند کمبود پوشش کافی در برنامه‌های درسی مواجه است و نیاز به ادغام ارزش‌های اسلامی و اصول اخلاقی برای نهادینه‌سازی رفتار اخلاقی در دانشجویان دارد (حسینی و بابائی، ۱۳۹۸). معین‌الدین و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه خود بررسی نمودند که افرادی که به اصول اخلاقی حرفه‌ای پایبند هستند، ممکن است به دنبال دستیابی به استانداردهای بالاتری در کار خود باشند. این امر می‌تواند منجر به افزایش کمال‌گرایی مثبت شود. اخلاق حرفه‌ای می‌تواند انگیزه افراد را برای تلاش بیشتر و بهبود مستمر افزایش دهد. ارزش‌های انگیزشی فایده‌گرایی و کثرت‌گرایی نیز بر چارچوب اخلاق حرفه‌ای تأثیر مثبت دارد (احمدی لنگری و گرکز، ۱۴۰۲). در همین راستا، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعات خود بیان می‌دارند که حرفه حسابداری مستلزم توجه ویژه و بیش از پیش

به مولفه اخلاق است و همچنین تذکر می‌دهند که: "باید اخلاقیات بیشتری در آموزش حسابداری تعلیم داده شود." این ضرورت، بر نقش حیاتی مدرسان حسابداری در ادغام بی‌وقفه اصول اخلاقی در استراتژی‌های آموزشی‌شان تأکید دارد. در پاسخ به این نیاز برای بازنگری در آموزش حسابداری و بهبود تصمیم‌گیری اخلاقی دانشجویان، دانشگاه‌های برتر تحصیلات تکمیلی در حوزه کسب‌وکار، اخلاق کسب‌وکار را در برنامه‌های خود گنجانده‌اند (کریسینسن و همکاران، ۲۰۰۷؛ ریچ و همکاران، ۲۰۱۳). با این حال، نتایج این تلاش‌ها محدود بوده است (رج و زمان‌گرف، ۲۰۲۲)، به ویژه در ایران که چالش‌های پیش روی آموزش دانشگاهی اخلاق در حسابداری شامل کمبود برنامه‌ریزی جامع و تمرکز بر ارزش‌های فرهنگی-اسلامی است (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۳). این امر با توجه به پیچیدگی فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی که تحت تأثیر متغیرهای گوناگونی مانند جنسیت (به‌عنوان مثال: گیلیگان، ۱۹۸۲؛ هاسکی‌لونتال و همکاران، ۲۰۱۷)، سن (به‌عنوان مثال: مارکوتز و ازودو پیرا، ۲۰۰۹؛ بورکوسکی و یوسف، ۱۹۹۲)، فرهنگ (به‌عنوان مثال: استیل و همکاران، ۲۰۱۶؛ هوفستد، ۲۰۱۱) و تحصیلات (به‌عنوان مثال: گوچی و جونز، ۱۹۹۸؛ تورمو و همکاران، ۲۰۱۶) است، قابل درک می‌باشد. علاوه بر این، تأثیر این متغیرها ساده و خطی نیست. برای مثال، موفقیت آموزشی به عواملی همچون روش‌های تدریس (تاپلین و همکاران، ۲۰۱۸)، رشته تحصیلی (نئوبوم و همکاران، ۲۰۰۹؛ گرین و وبر، ۱۹۹۷) و اثر خودانتخابی (سگال و همکاران، ۲۰۱۱) بستگی دارد. اثر خودانتخابی بدین معناست که افراد با ویژگی‌ها یا پیش‌گرایش‌های خاص، رشته تحصیلی خاصی را انتخاب می‌کنند. این پیش‌گرایش‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند، زیرا قضاوت اخلاقی فرد نه تنها به تحصیلات، بلکه به ویژگی‌های شخصیتی او نیز وابسته است (باردی و اسشوارتز، ۲۰۰۳؛ رودریگوئز و همکاران، ۲۰۲۰). جیاکومین و همکاران (۲۰۲۵) نشان می‌دهد که ویژگی‌های فردی مانند دینداری بر ادراک رفتارهای غیراخلاقی در میان دانشجویان تأثیر معناداری دارد. این یافته‌ها اهمیت بررسی پیش‌گرایش‌های فردی پیش از ورود به آموزش تخصصی را برجسته می‌سازد و بر ضرورت توجه به تفاوت‌های فردی در طراحی برنامه‌های آموزش اخلاق تأکید می‌کند.

به‌عبارتی، افراد رشته‌ای را انتخاب می‌کنند که با ویژگی‌ها یا گرایش‌های درونی‌شان همخوانی دارد و این انتخاب در فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی آنان منعکس می‌شود (سگال و همکاران، ۲۰۱۱). در همین راستا، ایتون و همکاران (۲۰۲۵) با بررسی رویکردهای آموزش اخلاق در دانشگاه‌ها و حرفه حسابداری نشان دادند که نیمی از برنامه‌های آموزشی، درس اخلاق را به صورت مستقل ارائه می‌دهند و تنوع قابل توجهی در الزامات آموزشی وجود دارد. همچنین کیسر، اسمیت و استغنز (۲۰۲۵) به بررسی چالش‌های اخلاقی در آزمون‌های حرفه‌ای پرداخته و بر اهمیت صداقت و

یکپارچگی در فرآیندهای آموزشی تأکید کرده‌اند. این یافته‌ها ضرورت توجه به پیش‌گرایش‌های فردی و طراحی برنامه‌های هدفمند آموزش اخلاق را برجسته می‌سازد.

عقاید و ارزش‌های اخلاقی هر فرد نتیجه سامانه مفهومی یکپارچه یا فلسفه اخلاقی شخصی است؛ به گونه‌ای که افراد در زمینه مسائل اخلاقی موضع‌های خاصی می‌گیرند و این موضع‌گیری بر قضاوت نهایی آنها اثر می‌گذارد (فورسیث، ۱۹۸۰). تفاوت‌های فردی در انجام قضاوت‌های اخلاقی را می‌توان از طریق دو فلسفه اخلاقی آرمان‌گرا و نسبی‌گرا تشریح کرد (اشلینگر و فورسیث، ۱۹۷۷). در حقیقت، آرمان‌گرایان معتقدند که نتیجه‌های خوب همیشه دست‌یافتنی است و حقایق اخلاقی و به تبع، اوصافی نظیر خوب و بد و فضائل و رذائل اخلاقی در عالم وجود دارد که از باورها، گرایش‌ها، امیال و احساسات بشر مستقل است (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۹۲)؛ در حالی که نسبی‌گرایان مجموعه قوانین مربوط به اعتقادات اخلاقی را رد می‌کنند و تمایلی به پذیرش قوانین جمعی ندارند و معتقدند شرایط، موقعیت‌ها و افراد در تعیین اخلاقی بودن و غیراخلاقی بودن هر تصمیم دخالت دارند و هیچ تضمینی وجود ندارد رفتاری که در شرایطی اخلاقی است، در شرایط و موقعیتی دیگر نیز اخلاقی محسوب شود (اعتمادی و دیانتی‌دیلمی، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها درباره انتخاب رشته تحصیلی نشان می‌دهد که دانشجویان تحت تأثیر علایق شخصی و مزایای ادراک‌شده شغلی قرار دارند. برای مثال، دانشجویانی که در رشته حسابداری ثبت‌نام می‌کنند، به این حوزه علاقه‌مندند و برای چشم‌انداز شغلی و منزلت آن ارزش قائل‌اند (آلانزی و همکاران، ۲۰۱۶؛ آوادالا و القرباوی، ۲۰۲۱). آنان اغلب به دقت و نظم این رشته بها می‌دهند، ویژگی‌ای که به‌ویژه برای افرادی با مهارت‌های قوی ریاضی و تمایلات خلاقانه کمتر جذاب است (سائمن و کرور، ۱۹۹۹؛ تانگ و سنگ، ۲۰۱۶). در مقابل، افرادی که از انتخاب حسابداری اجتناب می‌کنند، آن را رشته‌ای بیش از حد عددی و خسته‌کننده می‌دانند (کوهن و هانو، ۱۹۹۳؛ هیات و همکاران، ۲۰۰۷). افزون بر این، تأثیر مدرسان، خانواده و همسالان در هدایت برخی از دانشجویان به سوی انتخاب رشته حسابداری، نقشی تعیین‌کننده دارد (آلانزی و همکاران، ۲۰۱۶؛ آوادالا و القرباوی، ۲۰۲۱). همچنین بدیهی است که انتخاب رشته با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی انجام می‌شود و آموزش اخلاق می‌تواند پیش‌گرایش‌های دانشجویان را تقویت کند (حسینی و بابائی، ۱۳۹۸). انتخاب رشته تحصیلی آکادمیک توسط افراد در صورتی که آگاهانه و غیرتحمیلی باشد، تعیین حوزه مورد هدف فرد جهت کسب دانش و تخصص به منظور ورود به عرصه شغل حرفه‌ای نیز قلمداد می‌گردد. به طور سنتی افراد در جستجوی شغلی هستند که به آن تمایل داشته باشند و تلاش می‌کنند تا توانایی‌های خود را با وظایف شغلی تطابق دهند؛ انتخاب شغل توسط افراد معمولاً براساس میزان تطابق فرد با شغل صورت می‌گیرد. این مفهوم را تناسب فرد-شغل می‌نامند. تناسب فرد-شغل

یک مفهوم بنیادی برای افراد و سازمان‌ها است و به طور خلاصه، به معنای سازگاری فرد و شغل وی بوده که این سازگاری برای فرد و سازمان، حیاتی است (هالت و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش‌ها حالت و همکاران (۲۰۱۷) که به روش فراتحلیل انجام شده است، نشان می‌دهد که بهبود رفتار شغلی و در نتیجه اثرات سازمانی ارزشمند با وجود افرادی که شخصیت آنها تناسب بالایی با شغلشان دارد، همبسته است. تناسب فرد و شغل یک عامل قابل تمیز در فرآیند استخدام است که می‌توان با سنجش آن بین متقاضیان، تفاوت قائل شد (براون، ۲۰۰۰). براساس استدلال بیپ (۲۰۱۰)، افراد با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردشان به شغل خاصی ترغیب می‌شوند که این موضوع می‌تواند نکات عملی را برای کارفرمایان در انتخاب و تصمیمات مدیریت شغلی داشته باشد.

در حالی که برخی از ویژگی‌های دانشجویان حسابداری پیش‌تر مورد پژوهش قرار گرفته‌اند، شکاف قابل توجهی در تحقیقات مربوط به پیش‌گرایش‌های اخلاقی آنان وجود دارد؛ با وجود انبوه شواهد تجربی دال بر تفاوت‌های اخلاقی بین دانشجویان حسابداری و غیرحسابداری، یک پرسش اساسی همچنان بی‌پاسخ مانده است: آیا این تفاوت‌ها ناشی از آموزش‌های تخصصی دانشگاهی است یا پیش از ورود دانشجویان به فرآیند آموزش عالی نیز در آنان نهفته است؟ پاسخ به این پرسش از دو جنبه حائز اهمیت اساسی است. نخست، از منظر نظریه انتخاب رشته هالند، افراد بر اساس تیپ شخصیتی خود رشته تحصیلی‌شان را انتخاب می‌کنند. بنابراین تفاوت‌های اخلاقی پیش از ورود به دانشگاه مؤید اثر خودانتخابی خواهد بود. دوم، از منظر برنامه‌ریزی آموزشی، اگر تفاوت‌ها صرفاً ناشی از خودانتخابی باشد، نظام آموزش عالی باید بر تقویت و جهت‌دهی این پیش‌گرایش‌ها متمرکز شود؛ اما اگر تفاوت‌ها ناشی از آموزش باشد، باید بر بازتولید و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی تأکید کرد. شکاف نظری موجود در ادبیات پژوهش، عدم تفکیک این دو اثر (خودانتخابی در برابر آموزش) است. پژوهش حاضر برای پر کردن این خلأ، بر دانشجویان سال اول متمرکز شده است تا اثر آموزش را حذف و صرفاً پیش‌گرایش‌های اخلاقی را مورد سنجش قرار دهد. بر اساس شکاف شناسایی‌شده، هدف اصلی این پژوهش بررسی تفاوت پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان حسابداری و غیرحسابداری پیش از ورود به آموزش تخصصی دانشگاهی است.

پس از مقدمه، بخش دوم مقاله به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، بخش سوم به فرضیات پژوهش، بخش چهارم به روش‌شناسی پژوهش، بخش پنجم به یافته‌های توصیفی-استنباطی پژوهش و بخش ششم به بحث و نتیجه‌گیری، محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش می‌پردازد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حسابداران نقشی کلیدی در حمایت از تصمیم‌گیری ذی‌نفعان ایفا می‌کنند و در عین حال، در برابر عموم مردم پاسخ‌گو هستند. این امر بدین معناست که از آنان انتظار می‌رود سطح بالایی از اخلاق‌مداری و حرفه‌ای‌گری را در کار خود نشان دهند (اونسکو، ۲۰۱۶). برای تحلیل عمیق‌تر این انتظارات و تفاوت‌های احتمالی میان دانشجویان، به‌کارگیری چارچوب‌های نظری معتبر در حوزه اخلاق و روان‌شناسی تصمیم‌گیری ضروری است. در این راستا، نظریه رشد اخلاقی شناختی لارنس کلبگ (۱۹۸۴) که توسط جیمز رست (۱۹۸۶؛ ۱۹۷۳) در مدل چهار مؤلفه‌ای اخلاق بسط یافته، بیان می‌دارد که رفتار اخلاقی نتیجه چهار فرآیند روانی-شناختی به هم پیوسته شامل حساسیت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزه اخلاقی و منش اخلاقی است. بر اساس این مدل، تفاوت در قضاوت اخلاقی (مرحله دوم مدل) بین گروه‌های مختلف، می‌تواند ناشی از تفاوت در مرحله رشد شناختی یا ارزش‌های فردی باشد (رست، ۱۹۸۶).

بر مبنای نظریه کلبگ، پژوهش‌های متعددی به بررسی اخلاقیات در حرفه حسابداری پرداخته‌اند. سوئینی و کوستلو (۲۰۰۹) با استناد به این چارچوب شناختی، گزارش کردند که دانشجویان حسابداری در تشخیص معضلات اخلاقی عملکرد بهتری نسبت به هم‌تایان غیرحسابداری خود دارند؛ با وجود این یافته‌ها، یک پرسش اساسی بی‌پاسخ مانده است مبنی بر این‌که آیا این تفاوت در تشخیص معضلات اخلاقی، ریشه در آموزش‌های تخصصی دانشگاهی دارد یا پیش‌گرایش‌های فردی که پیش از ورود به دانشگاه شکل گرفته‌اند؟ آلین و همکاران (۲۰۱۳) نیز با تأکید بر مرحله قضاوت اخلاقی در مدل رست، تأیید کردند که دانشجویان حسابداری اخلاقی‌تر هستند. این یافته اگرچه ارزشمند است، اما مشخص نمی‌کند که این تفاوت در ارزش‌های مؤثر بر قضاوت اخلاقی، ناشی از جامعه‌پذیری حرفه‌ای در طول تحصیل است یا پیش از آن وجود داشته است. تبیین این مسئله نیازمند مطالعه‌ای است که دانشجویان را پیش از مواجهه با آموزش تخصصی مورد بررسی قرار دهد. این یافته‌ها با مطالعات ایران نیز همخوانی دارد؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دانشجویان حسابداری ایرانی در درک منشور اخلاق حرفه‌ای و مولفه‌های هوش معنوی، رفتار اخلاقی بالاتری نسبت به انتظارات عمومی از دانشجویان دیگر رشته‌ها بروز می‌دهند، که این امر می‌تواند به تقویت عملکرد تحصیلی و حرفه‌ای آن‌ها منجر شود (معین‌الدین و همکاران، ۱۴۰۴). با این حال، مطالعات داخلی نیز عمدتاً به مقایسه دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی پرداخته‌اند و پیش‌گرایش‌های اخلاقی در بدو ورود به دانشگاه را مورد بررسی قرار ندادند. این شکاف در ادبیات پژوهش داخلی، ضرورت انجام مطالعه حاضر را دوچندان می‌کند.

با نگاهی به ارزش‌های شخصی مؤثر بر تصمیم‌گیری، مشخص شد که صداقت و عقل‌گرایی بر قضاوت اخلاقی دانشجویان حسابداری تأثیر دارند، در حالی‌که در میان دانشجویان غیرحسابداری، تنها صداقت عامل مؤثر است (آلین و همکاران، ۲۰۱۳). این یافته را می‌توان از منظر نظریه قرارداد اجتماعی (هابز، ۱۹۹۱؛ لاک، ۱۹۸۸؛ رالز، ۱۹۷۱؛ لسنوف، ۱۹۹۰) نیز تفسیر کرد؛ بدین معنا که دانشجویان حسابداری، به واسطه آگاهی ضمنی از مسئولیت‌های خطیر حرفه‌ای آینده خود، نوعی قرارداد نانوشته با جامعه را درونی کرده‌اند که آنان را ملزم به اتکا بر عقل‌گرایی در کنار صداقت می‌کند. این مسئله، پرسشی را مطرح می‌کند: آیا این تفاوت‌ها ناشی از جامعه‌پذیری حرفه‌ای است یا پیش از ورود دانشجویان به فرآیند آموزش تخصصی حسابداری نیز در فرد نهفته‌اند؟ برای روشن‌تر ساختن این پرسش پژوهشی، مطالعه حاضر بررسی می‌کند که آیا دانشجویان حسابداری دارای پیش‌گرایش‌های اخلاقی متفاوتی نسبت به دانشجویان غیرحسابداری اند یا به‌طور خاص‌تر، آیا تفاوت‌هایی در فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی پیش از ورود به آموزش تخصصی حسابداری وجود دارد؟ در این زمینه، مطالعات تأکید می‌کنند که نظام آموزش حسابداری باید بر اصول اخلاقی مانند درستکاری، بی‌طرفی، رازداری و صلاحیت حرفه‌ای تمرکز کند تا این تفاوت‌ها را از مراحل اولیه تقویت نماید (رویایی و همکاران، ۲۰۱۲). برای تبیین تفاوت‌های انگیزشی در انتخاب رشته، نظریه انتخاب رشته هالند (۱۹۵۹؛ ۱۹۹۷) تفسیر می‌نماید افراد رشته‌ای را انتخاب می‌کنند که با تیپ شخصیتی آن‌ها (واقع‌گرا، جستجوگر، هنری، اجتماعی، متهور و قراردادی) سازگار باشد. از این منظر، حسابداری اغلب با تیپ شخصیتی قراردادی تطابق دارد که با ویژگی‌هایی چون نظم، دقت، پشتکار و احتیاط شناخته می‌شود. این ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند بستر مناسبی برای رشد اخلاق حرفه‌ای فراهم آورند. چندین پژوهشگر عواملی را که بر تصمیم دانشجویان برای انتخاب رشته حسابداری تأثیر می‌گذارد بررسی کرده‌اند و گزارش داده‌اند که فرصت‌های شغلی، ویژگی‌های حرفه‌ای (آلانزی و همکاران، ۲۰۱۶؛ آوادالا و القرباوی، ۲۰۲۱؛ دالکی و همکاران، ۲۰۱۳) و ویژگی‌های رشته تحصیلی (تان و لسوید، ۲۰۰۶؛ اوسو و همکاران، ۲۰۱۹) از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر هستند؛ اگرچه این مطالعات تصویری روشن از عوامل مؤثر بر انتخاب رشته ارائه می‌دهند، اما ارتباط این عوامل با پیش‌گرایش‌های اخلاقی را بررسی نکرده‌اند. به عبارتی، مشخص نیست آیا دانشجویانی که به دلیل فرصت‌های شغلی، حسابداری را انتخاب می‌کنند، از پیش‌گرایش‌های اخلاقی متفاوتی برخوردارند یا خیر. در حالی‌که دانشجویان رشته حسابداری بر این باورند که این رشته عامل مهمی در موفقیت شغلی آینده آنان خواهد بود (هم‌راستا با شاخصه‌های تیپ قراردادی)، دانشجویان رشته مدیریت معتقدند که این رشته به آن‌ها در موفقیت در کسب‌وکار شخصی خودشان کمک می‌کند (کیم و همکاران، ۲۰۰۲). این یافته‌ها اگرچه تفاوت در انگیزه‌های انتخاب رشته را نشان می‌دهند،

اما ارتباط این انگیزه‌ها با قضاوت اخلاقی را روشن نمی‌سازند. پژوهش حاضر درصدد است این شکاف را با بررسی پیش‌گرایش‌ها و قضاوت اخلاقی پر کند.

هرچند مهارت‌ها و دانش پیشین در ریاضیات، تأثیر مستقیمی بر انتخاب رشته تحصیلی نداشته و عامل مؤثری در تصمیم دانشجویان حسابداری برای انتخاب رشته نبوده است، اما برای دانشجویان غیرحسابداری جنبه بازدارنده دارد (تان و لسوید، ۲۰۰۶)؛ زیرا آنان حسابداری را رشته‌ای خسته‌کننده می‌دانند (کوهن و هانو، ۱۹۹۳؛ کارلسون و نوئلا، ۲۰۲۲). این دیدگاه‌ها در مطالعات ایرانی نیز مشاهده می‌شود، جایی که ویژگی‌های شخصیتی مانند وظیفه‌مداری (به عنوان یکی از شاخصه‌های تیپ قراردادی) و گشودگی نسبت به تجربه، دانشجویان را به سمت رشته‌هایی با تأکید بر اخلاق حرفه‌ای مانند حسابداری سوق می‌دهد (رویایی و همکاران، ۲۰۱۲). با وجود این یافته‌ها، هنوز مشخص نیست که آیا این ویژگی‌های شخصیتی با فلسفه‌های اخلاقی نیز مرتبط هستند یا خیر. مطالعه حاضر با بررسی پنج فلسفه اخلاقی (عدالت‌گرایی، نسبی‌گرایی، قراردادگرایی، خودگرایی و فایده‌گرایی) در میان دانشجویان حسابداری و غیرحسابداری، به این پرسش پاسخ خواهد داد.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

فورسیث (۱۹۸۰) در مطالعه‌ای با عنوان «طبقه‌بندی ایدئولوژی‌های اخلاقی» پرسشنامه موقعیت اخلاقی را توسعه داد که ایدئولوژی اخلاقی افراد را بر اساس آرمان‌گرایی و نسبی‌گرایی اندازه‌گیری می‌کند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که این ابعاد می‌توانند تفاوت‌های فردی در قضاوت اخلاقی، از جمله در حرفه‌های مانند حسابداری، را توضیح دهند.

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «آموزش اخلاق در حسابداری: حرکت به سوی انگیزه اخلاقی و رفتار اخلاقی» به بررسی آموزش اخلاق در حسابداری پرداختند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که آموزش اخلاق باید فراتر از قضاوت اخلاقی رفته و بر انگیزه اخلاقی و رفتار اخلاقی تمرکز کند، و پیشنهاد می‌کنند از مدل یکپارچه تصمیم‌گیری اخلاقی برای تقویت فضیلت‌های اخلاقی در دانشجویان حسابداری استفاده شود.

فلوگرات و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود با محتوای تأثیر اخلاقیات بر کیفیت قضاوت حسابداران حرفه‌ای دریافتند که وجود منشور اخلاقی بر کیفیت قضاوت‌های حسابداران حرفه‌ای تأثیر مثبت دارد و منجر به کیفیت بالاتر قضاوت‌های اخلاقی می‌شود.

سوئینی و کوستلو (۲۰۰۹) تأثیر شدت اخلاقی بر تصمیم‌گیری اخلاقی دانشجویان حسابداری و کسب‌وکار را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که دانشجویان

حسابداری در شناسایی معضلات اخلاقی عملکرد بهتری نسبت به دانشجویان غیرحسابداری دارند، و اجماع اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی دارد. مارتینوف-بنی و ملادنویچ (۲۰۱۵) تأثیر چارچوب اخلاقی و آموزش یکپارچه اخلاق بر حساسیت و قضاوت اخلاقی دانشجویان حسابداری را بررسی کردند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که ادغام اخلاق در سراسر برنامه درسی حساسیت اخلاقی را افزایش می‌دهد، اما دانشجویان بدون مواجهه با چارچوب‌های چندگانه دیدگاه‌های اخلاقی، قضاوت‌های پیچیده‌تری نشان می‌دهند.

هالت و همکاران (۲۰۱۷) در یک فراتحلیل، تناسب فرد-شغل را بررسی کردند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که تناسب بالای شخصیت با شغل حسابداری با رفتار شغلی بهتر و نتایج سازمانی مثبت همبسته است، و این تناسب می‌تواند پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان را در انتخاب رشته تأثیرگذار کند.

یولیانتی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تأثیر تعهد حرفه‌ای، تعهد اخلاقی بر توانایی کشف تقلب از طریق رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری را بررسی نمودند. این مطالعه نشان داد که تعهد حرفه‌ای تأثیر مثبتی بر توانایی کشف تقلب و تعهد اخلاقی اثر منفی بر کاهش رفتارهای کیفیت حسابداری دارد.

پوجه و زمان گروف (۲۰۲۳) تأثیر ابزار آموزش اخلاق بر قضاوت اخلاقی دانشجویان حسابداری را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که استفاده از این ابزار قضاوت اخلاقی را بهبود می‌بخشد و عدالت را به عنوان عامل قوی‌تری در تصمیم‌گیری اخلاقی برجسته می‌کند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

رویایی و همکاران (۱۳۹۱) ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان حسابداری ایرانی و تأثیر آن بر انتخاب رشته را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌مداری و گشودگی به تجربه، دانشجویان را به سمت رشته حسابداری با تأکید بر اخلاق حرفه‌ای سوق می‌دهد.

مجتهدزاده و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «نقش اخلاق در حسابداری و چالش‌های پیش روی آموزش دانشگاهی» به بررسی چالش‌های آموزش اخلاق در دانشگاه‌های ایران پرداختند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که رسوایی‌های مالی جهانی و داخلی ضرورت تقویت استدلال اخلاقی در کنار مهارت‌های فنی را برجسته کرده، اما برنامه‌های درسی با کمبود پوشش کافی مواجه است.

نبی‌مهد و گل‌محمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر جو اخلاقی بر هشداری در خصوص تقلب با استفاده از ۳۳۰ نفر از حساب‌برسان شاغل پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که جو اخلاقی بر هشداری در خصوص تقلب تأثیرگذار است.

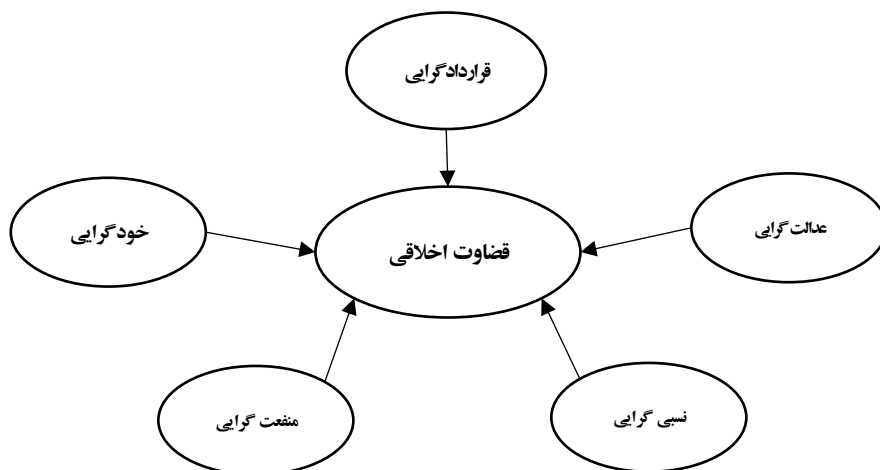
فرزین و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط سازه‌های فردی و اجتماعی بر آموزش اخلاق حرفه‌ای حسابداران پرداختند. نتایج مطالعات آنها بیان می‌کند که مسئولیت نظام آموزشی در قبال تربیت حسابداران آشنا با مباحث اخلاق حرفه‌ای از طریق پرداختن به مباحث اخلاقی در دروس دانشگاه‌ها ایفا و منجر به تربیت حسابداران پایبند به اصول اخلاقی حرفه می‌شود.

حسینی و بابائی (۱۳۹۸) ضرورت آموزش اخلاق و ارزش‌های اسلامی در برنامه درسی حسابداری دانشگاه‌ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که ادغام ارزش‌های اسلامی می‌تواند رفتار اخلاقی دانشجویان را نهادینه کند و پیش‌گرایش‌های اخلاقی آنان را با توجه به عوامل فرهنگی تقویت نماید.

بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر انتخاب رشته حسابداری در دانشجویان ایرانی را بررسی کردند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که انتظارات شغلی مانند درآمد و جایگاه اجتماعی، همراه با نقش خانواده و مشاوران، پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

امیری و پارسایی (۱۴۰۱) نقش اصول اخلاقی مانند درستکاری، بی‌طرفی و رازداری در نظام آموزش حسابداری ایران را بررسی کردند. نتایج تحقیق ایشان تأکید دارد که تمرکز بر این اصول از مراحل اولیه آموزش می‌تواند تفاوت‌های پیش‌گرایشی اخلاقی دانشجویان را تقویت کند.

معین‌الدین و همکاران (۱۴۰۴) رفتار اخلاقی دانشجویان حسابداری ایرانی را بررسی کردند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که هوش معنوی بالاتر در دانشجویان حسابداری با جهت‌گیری اخلاقی ایده‌آلیستی (بالاتر) و رفتار اخلاقی مطلوب‌تر رابطه مثبت و معناداری دارد که می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای اخلاقی‌تر و عملکرد بهتر در آینده منجر شود.



نمودار انمدل ترسیمی پژوهش

۳- فرضیه‌های پژوهش

لاندردی (۲۰۰۴) گزارش می‌دهد که دانشجویان حسابداری تحلیلی‌تر از دانشجویان غیرحسابداری هستند؛ ویژگی‌ای که در گرایش آنان به اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی‌تر منعکس می‌شود. افزون بر این، برداشت از حرفه حسابداری به‌عنوان حرفه‌ای دقیق و موشکافانه باعث می‌شود افرادی با اخلاقیت کمتر، این رشته را انتخاب کنند (آزودو و سوگهارا، ۲۰۱۲؛ سائمن و کروکر، ۱۹۹۹). در ارتباط با اخلاقیت، آزمایش‌های آریلی و گینو (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که اخلاقیت منجر به افزایش رفتارهای غیراخلاقی می‌شود. این نتایج از این فرضیه حمایت می‌کنند که دانشجویان حسابداری به دلیل سطح پایین‌تر اخلاقیت، کمتر از دانشجویان غیرحسابداری در رفتارهای غیراخلاقی درگیر می‌شوند. پدیده خودانتخابی توصیف‌شده، نتیجه تفاوت در ویژگی‌ها و ترجیحات میان دانشجویان حسابداری و غیرحسابداری است. سطح پایبندی متوسط به اخلاق حرفه‌ای در دانشجویان حسابداری نشان‌دهنده نیاز به تقویت آموزش اخلاقی از مراحل انتخاب رشته است تا پدیده خودانتخابی را با تمرکز بر هوش معنوی تعمیق بخشد (کرمشاهی و خادمی، ۱۴۰۳). ما بر این باوریم که این تفاوت‌ها در قضاوت اخلاقی دانشجویان نیز بازتاب می‌یابد؛ از این رو، فرضیه زیر برای آزمون مطرح می‌شود:

فرضیه اول: دانشجویان رشته حسابداری، اقداماتی که از نظر اخلاقی مشکوک‌اند را غیراخلاقی‌تر از دانشجویان سایر رشته‌های کسب‌وکار می‌دانند.

بر اساس دیدگاه رست (۱۹۸۶)، فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی با شناسایی مسئله اخلاقی (آگاهی اخلاقی) آغاز می‌شود و با تحلیل اقدامات ممکن و پیامدهای آن‌ها (قضاوت اخلاقی) ادامه می‌یابد. این چارچوب شناختی بر نقش مهم آموزش حسابداری در تقویت توانایی دانشجویان برای مواجهه با معضلات اخلاقی از طریق قضاوت اخلاقی دقیق تأکید دارد و آگاهی اخلاقی را به‌عنوان عنصری بنیادی در رفتار اخلاقی معرفی می‌کند. بر پایه این اصول، مقیاس چندبعدی اخلاق که توسط رابین و ریدنباچ (۱۹۸۸) معرفی شد، یافته‌های مطالعه رست (۱۹۸۶) را بسط داده و چارچوبی برای تحلیل استدلال اخلاقی از طریق سنجش ترجیحات اخلاقی فردی و توجیهات مرتبط با تصمیمات اخلاقی ارائه می‌دهد. کوهن و همکاران (۱۹۹۸) این چارچوب را گسترش داده و پنج فلسفه اخلاقی شامل عدالت، نسبی‌گرایی، قراردادگرایی، خودگرایی و فایده‌گرایی را شناسایی کردند که به‌طور معناداری بر ارزیابی‌های اخلاقی تأثیر گذارند. این فلسفه‌های اخلاقی برای توصیف انگیزه‌های نهفته در پشت تصمیمات اخلاقی ضروری‌اند و درک عمیق‌تری از چگونگی مواجهه افراد با چالش‌های اخلاقی فراهم می‌سازند (کارا و همکاران، ۲۰۱۶؛ لئونارد و همکاران، ۲۰۱۷؛ شاور و سنتی، ۲۰۰۹). افراد برای حل مسائل از راهبردهای متفاوتی استفاده می‌کنند (دونبار، ۲۰۱۷)، و قضاوت اخلاقی می‌تواند بر ترکیبی از چند فلسفه اخلاقی استوار باشد (کوهن و

همکاران، ۲۰۰۱؛ ریدنباچ و رابین، ۱۹۹۰). هرچند جهت تأثیر فلسفه‌های اخلاقی مختلف مشابه است (کارا و همکاران، ۲۰۱۶)، اما شدت تأثیر آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد که این امر منجر به قضاوت اخلاقی متفاوت بر اساس فلسفه اخلاقی غالب می‌شود (توماس، ۲۰۱۲). کوهن و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که عدالت و قراردادگرایی، و پس از آن فایده‌گرایی، بیشترین تأثیر را بر قضاوت اخلاقی دانشجویان رشته‌های کسب‌وکار دارند، در حالی که نسبی‌گرایی نقش اندکی ایفا می‌کند. نتایج، اندکی متفاوت از یافته‌های مطالعه کارا و همکاران (۲۰۱۶) به‌دست آمد که در آن عدالت نیز به‌عنوان مؤثرترین عامل در قضاوت اخلاقی دانشجویان کسب‌وکار شناسایی شد، و پس از آن نسبی‌گرایی، خودگرایی و قراردادگرایی قرار گرفتند. بیکان و همکاران (۲۰۱۷) این بررسی را به رشته‌های مختلف گسترش دادند و گزارش کردند که دانشجویان رشته‌های کسب‌وکار بیشتر از هم‌تایان غیرکسب‌وکاری خود، تصمیماتشان را بر پایه خودگرایی اتخاذ می‌کنند. نویسندگان این یافته را با مفهوم سرمایه‌داری که برای دانشجویان کسب‌وکار آشنا تر از دانشجویان سایر رشته‌هاست، توضیح دادند. در مقابل، هیچ تفاوتی میان دانشجویان کسب‌وکار و غیرکسب‌وکار از نظر فایده‌گرایی، عدالت و نسبی‌گرایی مشاهده نشد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تفاوت‌هایی در فلسفه‌های اخلاقی میان رشته‌های تحصیلی مختلف وجود دارد. با این حال، هنوز روشن نیست که آیا این تفاوت‌ها ناشی از تأثیرات آموزشی‌اند یا از گرایش‌های اخلاقی پیشینی افراد سرچشمه می‌گیرند.

حسابداران به‌خاطر تأکیدشان بر دقت حرفه‌ای شناخته می‌شوند (فریماکس، ۲۰۲۰)؛ ویژگی‌ای که ناشی از الزامات سخت‌گیرانه حرفه در زمینه دقت، رعایت قوانین، مقررات و استانداردهای حرفه‌ای است. این پایبندی شدید به استانداردها ارتباط نزدیکی با فلسفه اخلاقی قراردادگرایی دارد؛ فلسفه‌ای که اخلاق را به‌منزله پایبندی به وعده‌ها و تعهدات تعریف می‌کند. بر همین اساس، اقدامات از نظر اخلاقی بر پایه میزان انطباق آن‌ها با این تعهدات ارزیابی می‌شوند (کونتوس، ۲۰۰۹؛ فریمن، ۱۹۹۱). بنابراین قضاوت اخلاقی وابسته به این است که اقدامات، تعهدات را حفظ یا نقض می‌نمایند، همچنین نقض تعهدات به‌عنوان رفتاری غیراخلاقی تلقی می‌شود. داگلاس و همکاران (۲۰۰۱) پیش‌تر گزارش کردند که کدهای رفتار حرفه‌ای و جهت‌گیری نسبت به قوانین سازمانی، در کنار قوانین و مقررات رسمی، از جمله عواملی هستند که بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران تأثیر می‌گذارند. قضاوت اخلاقی قانون‌محور چندان شگفت‌آور نیست، به‌ویژه با در نظر گرفتن دیدگاه ولایوتام (۲۰۰۳؛ صفحه ۴۸۳) که استدلال می‌کند: «کد اخلاقی حرفه حسابداری از تمرکز بر مسئولیت اخلاقی در جهت منافع عمومی، به سمت مشخصه‌ای فنی تغییر جهت داده

است.» با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص این حرفه به‌ویژه اهمیت قوانین، مقررات، استانداردها و سایر قواعد فرضیه زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: دانشجویان رشته حسابداری در مقایسه با دانشجویان سایر رشته‌های کسب و کار، گرایش بیشتری به قراردادگرایی دارند.

در مقابل قراردادگرایی، نسبی‌گرایان بر این باورند که قضاوت اخلاقی فاقد عینیت است. از دید آنان، قضاوت اخلاقی به عوامل فرهنگی، موقعیتی و تجربی وابسته است، به‌گونه‌ای که یافتن استاندارد اخلاقی جهان‌شمول را دشوار می‌سازد (لیونز، ۱۹۷۶؛ هیالی، ۲۰۰۷؛ استدهام و همکاران، ۲۰۰۷). آنان فرض می‌کنند که اصول اخلاقی در جوامع، فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی مختلف به‌طور قابل‌توجهی متفاوت است؛ بدین معنا که آنچه درست یا نادرست تلقی می‌شود، تا حد زیادی تحت تأثیر هنجارها و ارزش‌های غالب هر گروه خاص قرار دارد (مرلو و پراواتو، ۲۰۲۱). بنابراین اعمالی که با آداب و سنت‌های فرهنگ یا جامعه فرد هم‌خوانی دارند، کمتر به‌عنوان عملی غیراخلاقی تلقی می‌شوند؛ این امر بازتابی از دیدگاه نسبی‌گرایانه است که اخلاق را انعطاف‌پذیر و وابسته به بستر اجتماعی خاص می‌داند. بر این اساس، تصمیم‌گیری بیشتر بر مبنای آنچه در یک موقعیت خاص قابل‌قبول است صورت می‌گیرد تا بر پایه ملاحظات فردی. در زمینه اولویت‌دادن به هنجارهای فرهنگی نسبت به ترجیحات شخصی، تان و لسوید (۲۰۰۶) در مطالعه خود بررسی نمودند که دانشجویان حسابداری در انتخاب رشته تحصیلی‌شان بیش از دانشجویان غیرحسابداری تحت تأثیر خانواده قرار دارند. افزون بر اعضای خانواده، همسالان نیز تأثیر مهمی در این انتخاب دارند (آوادالا و القرباوی، ۲۰۲۱). اتخاذ تصمیم بر اساس دیدگاه‌های اعضای خانواده و همسالان، یکی از عناصر اساسی فلسفه اخلاقی نسبی‌گرای است. این امر ما را به آزمون فرضیه زیر رهنمون می‌سازد:

فرضیه سوم: دانشجویان رشته حسابداری در مقایسه با دانشجویان سایر رشته‌های کسب و کار، گرایش بیشتری به نسبی‌گرای دارند.

در حالی که نسبی‌گرای بر سازگاری اخلاق با بافت اجتماعی تأکید دارد، خودگرایی تمرکز را به سوی فرد معطوف می‌سازد. خودگرایی با پیگیری نیازها و تمایلات فردی مرتبط است و اغلب در علم اقتصاد ترویج می‌شود؛ همچنین به‌جای واژه خودگرایی یا منافع شخصی، بیشتر از اصطلاح بیشینه‌سازی مطلوبیت استفاده می‌شود. برای تحقق خودگرایی، وجود آزادی انتخاب، دغدغه‌مندی مستمر و سازگاری در عمل ضروری است؛ با این فرض که منافع شخصی می‌تواند به‌طور کلی به نفع جامعه نیز تمام شود (دبلجک و کرکاج، ۲۰۰۸). اسمیت (۱۷۷۶) استدلال می‌کند که پیگیری منافع شخصی توسط افراد، به‌صورت ناخواسته موجب توسعه اقتصادی می‌شود و باور دارد که اقداماتی که از سر منافع شخصی انجام می‌شوند، ذاتاً غیراخلاقی نیستند. این دیدگاه، نظریه

«دست نامرئی» اسمیت را پایه‌گذاری می‌کند که بر اساس آن، منافع بلندمدت فردی، در صورت پیگیری مستمر، می‌تواند با رفاه اجتماعی هم‌راستا و موجب تقویت آن شود. اگرچه از حسابداران انتظار می‌رود که منافع عمومی را در اولویت قرار دهند (برومل، ۲۰۱۷) و منافع جامعه را بر منافع مشتریان شرکتی یا منافع شخصی خود ترجیح دهند (میچل و همکاران، ۱۹۹۴)، اما همان‌طور که میچل و همکاران (1994, p. 49) بیان می‌کنند: «ما در جهانی زندگی می‌کنیم که تحت فشارهای بازار قرار دارد، جایی که حسابداران برای کسب‌وکار رقابت می‌کنند و در قبال سهم خود در عملکرد شرکت‌هایی که برای آن‌ها کار می‌کنند، پاسخ‌گو هستند.» مجموعه‌ای از رسوایی‌ها در آغاز قرن بیستم (مانند انرون، وردکام و...) نشان می‌دهد که در حرفه حسابداری منافع عمومی جای خود را به منافع شخصی داده است (داونپارت و دلاپورتاس، ۲۰۰۹). این تغییر می‌تواند در انگیزه دانشجویان برای انتخاب رشته حسابداری نیز منعکس شود، جایی که مشوق‌های مالی و چشم‌انداز شغلی، تحت تأثیر انتظارات خانوادگی و اجتماعی، نقش مهمی ایفا می‌کنند (خلید و همکاران، ۲۰۱۹؛ لکسمی و حفیس، ۲۰۱۹). مزایای مالی و فرصت‌های شغلی به‌عنوان عوامل حیاتی در انتخاب حسابداری به‌عنوان رشته تحصیلی در سراسر جهان گزارش شده‌اند، از جمله در ایالات متحده (انگت و همکاران، ۲۰۲۰)، کویت (آلانزی و همکاران، ۲۰۱۶)، بنگلادش (کومار، ۲۰۱۷)، اندونزی (لکسمی و حفیس، ۲۰۱۹)، و مالزی (خلید و همکاران، ۲۰۱۹). از آنجا که خودگرایی به ترویج منافع شخصی فرد و شامل خودارتقای و رضایت شخصی اشاره دارد، فرضیه زیر مطرح می‌شود:

فرضیه چهارم: دانشجویان رشته حسابداری در مقایسه با دانشجویان سایر رشته‌های کسب و کار، گرایش بیشتری به خودگرایی دارند.

در حالی که خودگرایی بر سود شخصی تمرکز دارد، فلسفه اخلاقی عدالت چارچوب اخلاقی وسیع‌تری ارائه می‌دهد. عدالت به اصول و قواعد جهان‌شمولی اشاره دارد که تضمین‌کننده رفتار عادلانه و برابر با همه افراد هستند (بوتز، ۲۰۰۰). افراد بر اساس اولویت‌های اخلاقی شخصی خود، قضاوت اخلاقی می‌کنند، به این معنا که ترجیحات آنان ذهنی است (اسکیتکا و همکاران، ۲۰۰۸). فلسفه اخلاقی عدالت بر ارزیابی اقدامات از منظر عدالت، انصاف و درستی اخلاقی تمرکز دارد. در مقایسه، قضاوت اخلاقی بر پایه فایده‌گرایی مبتنی بر حداکثرسازی رفاه همه افراد ذی‌نفع است. در اخلاق کسب‌وکار، این رویکرد اقداماتی مانند تقلب مالیاتی و تبعیض را غیراخلاقی می‌داند زیرا به خیر عمومی آسیب می‌زنند. با استفاده از مثال‌های انرون و وردکام، پیامدهای اجتماعی منفی به‌عنوان بخشی از آثار رفتار نادرست دیده می‌شوند (گوستافسون، ۲۰۱۳). بر اساس فایده‌گرایی، منافع انسانیت عامل کلیدی در قضاوت اخلاقی است. مفهوم عدالت با سطح پسا‌صنفی رشد اخلاقی

مرتبط است و بالاترین سطح رشد شناختی اخلاقی محسوب می‌شود که در آن افراد اصول خود را توسعه می‌دهند و قضاوت اخلاقی بر اساس اصول جهان‌شمول عدالت تعیین می‌شود (انگوین و همکاران، ۲۰۰۸). به‌طور مشابه، فلسفه اخلاقی فایده‌گرایی قضاوت اخلاقی را بر حداکثرسازی مطلوبیت کلی و حمایت از اقداماتی که بیشترین خیر را برای بیشترین تعداد افراد ایجاد می‌کنند پایه‌گذاری می‌کند. هر دو فلسفه، عدالت و فایده‌گرایی، با قضاوت اخلاقی پیشرفته مرتبط هستند. با توجه به اینکه مطالعه حاضر پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان را در آغاز تحصیلات عالی بررسی می‌کند، انتظار نمی‌رود تفاوتی در فلسفه‌های عدالت و فایده‌گرایی بین دانشجویانی که در رشته‌های مختلف ثبت‌نام می‌کنند، وجود داشته باشد.

تفاوت‌های جنسیتی، از موضوعات مهم پژوهشی است؛ زیرا نگرش‌های ادراکی و احساسی، صرف نظر از صحت و دقت آن، می‌تواند آثار شایان توجهی بر نگرش افراد نسبت به کار و نتایج کار داشته باشد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۵). ایگلی (۱۹۸۷) معتقد است تفاوت‌های جنسیتی ناشی از نقش‌های اجتماعی است که کلیشه‌های جنسیتی ایجاد می‌کنند. زنان بیشتر از مردان متوجه دیگران هستند و بر رفاه و مراقبت تأکید دارند، که می‌تواند تصمیمات اخلاقی آنان را تحت تأثیر قرار دهد (بیلوانی و انجوم، ۲۰۲۲؛ مسچ و همکاران، ۲۰۱۱؛ لوی و لوکن، ۲۰۱۵). تانگ و چن (۲۰۰۸) معتقدند تفاوت‌های مهمی در باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با پول مردان و زنان بر اساس جنسیت وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که مردان نگرانی بیشتری برای پول و پیشرفت‌های شغلی دارند؛ در حالی که نگرانی زنان برای پول کمتر است و معمولاً استانداردها و اصول اخلاقی بالاتری نسبت به مردان دارند (تانگ و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، زنان احتمال بیشتری برای رفتار حمایتی دارند، هنجارهای اجتماعی رفتار را رعایت می‌کنند و کمتر احتمال دارد اقداماتی انجام دهند که روابط شخصی یا عملکرد گروه را مختل کند (اشماینک و همکاران، ۲۰۰۳). کلر، اسمیت و اسمیت (۲۰۰۷) نشان دادند جنسیت، مقطع تحصیلات و تجربه کاری، موجب بروز تفاوت‌هایی در استانداردهای اخلاقی حسابداران می‌شود؛ به‌گونه‌ای که زنان تمایل بیشتری به تصمیم‌گیری بر مبنای اصول اخلاقی دارند. این در حالی است که برزگر و عاطفی (۱۳۹۵) در مطالعه خود، هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های ساریل (۲۰۱۳) و ایسا و زهاری (۲۰۱۵) و برخلاف یافته‌های پژوهش‌های تانگ، کیم و تانگ (۲۰۰۰)؛ تانگ، تانگ و لونا آروکاس (۲۰۰۵) و آیویی (۲۰۱۴) بررسی می‌کنند که زنان نسبت به مردان، اخلاق پولی زیادتری دارند و در نتیجه امکان دارد که زنان نسبت به مردان در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، به معیارهای دیگری همچون عقلایی بودن از لحاظ اقتصادی توجه کنند. برای داشتن دیدگاهی جامع، نقش جنسیت در قضاوت اخلاقی نباید نادیده گرفته شود. بحث‌ها درباره تفاوت‌های جنسیتی در حوزه اخلاق دهه‌هاست که ادامه دارند و نتایج مطالعات تجربی متفاوت است. در حالی که برخی

پژوهشگران (موباکو و همکاران، ۲۰۲۰؛ وانگ و کالوانو، ۲۰۱۵؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۷) هیچ تفاوتی در قضاوت اخلاقی میان جنسیت‌ها نیافتند و برخی دیگر تفاوت‌هایی را گزارش کردند (لئونارد و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به ویژگی‌های جنسیتی، احتمال دارد زنان اخلاقی‌تر از مردان باشند. بر پایه شواهد موجود، فرضیه زیر برای آزمون پیشنهاد می‌شود:

فرضیه پنجم: دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد، اقداماتی که از نظر اخلاقی مشکوک‌اند را غیراخلاقی‌تر ارزیابی می‌کنند.

این فرضیه با هدف بررسی نقش متغیر جمعیت‌شناختی جنسیت به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر قضاوت اخلاقی تدوین شده است. اگرچه تمرکز اصلی پژوهش بر مقایسه بین‌رشته‌ای است اما کنترل متغیرهای فردی مانند جنسیت برای اطمینان از اعتبار یافته‌های اصلی ضروری تلقی می‌شود. از این رو، این فرضیه در کنار فرضیات اصلی مورد آزمون قرار گرفته است.

۴- روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر تبیین پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان حسابداری در مقایسه با دانشجویان غیرحسابداری است. جامعه آماری شامل دانشجویان جدیدالورود رشته‌های حسابداری و دانشجویان جدیدالورود رشته‌های غیرحسابداری مرتبط با شاخه مدیریت کسب‌وکار (شامل مدیریت مالی، اقتصاد و مدیریت بازرگانی) در سطح دانشگاه‌های دولتی تهران بوده است. پرسشنامه بین ۵۱۳ دانشجو توزیع و در نهایت ۳۴۴ پرسشنامه (۱۸۸ دانشجو حسابداری جدیدالورود دانشگاه‌های دولتی تهران از مجموع تعداد ۲۶۵ پذیرفته شده حسابداری این دانشگاه‌ها در ورودی ۱۴۰۴) جمع‌آوری (نرخ پاسخ‌دهی: ۶۷,۰۵٪) و مورد مطالعه قرار گرفت. دلیل انتخاب دانشجویان جدیدالورود، تبیین و بررسی پیش‌گرایش اخلاقی دانشجویان پیش از تأثیرپذیری اخلاقی و رفتاری از دروس، فضای رشته_حرفه و چارچوب آئین اخلاق و رفتار حرفه‌ای به منظور بومی‌سازی آموزش اخلاق در برنامه‌های درسی حسابداری و هدایت دانشجویان به سوی دستیابی به بالاترین سطح رشد شناختی اخلاقی است. قضاوت اخلاقی، در کنار سایر عوامل، تحت تأثیر تغییرات زمینه‌ای قرار می‌گیرد (برت و ساکس، ۲۰۲۱). برای در نظر گرفتن این موضوع، به هر دانشجو پرسشنامه‌ای شامل هشت سناریو ارائه شد (پیوست)، که هر کدام دارای زمینه‌ای متفاوت بودند. این سناریوها که توسط کوهن و همکاران (۲۰۰۱) توسعه یافته‌اند، معضلات اخلاقی مختلفی را توصیف می‌کنند که هر کدام با یک اقدام همراه است.

سناریوی اول: مربوط به یک کارمند جوان است که قرار است به‌طور ناعادلانه اخراج شود، مشابه سناریوی «انتخاب سوفی» در مطالعه مودریک و میسون (۲۰۱۳)، که در آن هر انتخابی باعث

آسیب به کسی می‌شود، بدون هیچ سودی برای تصمیم‌گیرنده. سناریوی دوم: به ایمنی محصول می‌پردازد، جایی که با وجود آزمایش ناکافی محصول، مدیر فروش همچنان محصول را به دلیل احتمال کم بروز مشکل ایمنی تبلیغ می‌کند. سناریوی سوم: درباره رشوه به‌عنوان بخشی از توسعه کسب‌وکار در کشور جدید است، جایی که این عمل عادی تلقی می‌شود. سناریوی چهارم: نقض حق تکثیر نرم‌افزار را توصیف می‌کند. سناریوی پنجم: به دستکاری تاریخ‌ها می‌پردازد و وضعیتی را نشان می‌دهد که ارسال زود هنگام محصولات باعث افزایش فروش و دستیابی به اهداف پاداش شده است. سناریوی ششم: مربوط به تمدید وام به یک دوست است که با معیارهای وام‌دهی بانک مطابقت ندارد. سناریوی هفتم: به مسئله استفاده از پول شرکت برای هدایا شخصی می‌پردازد. سناریوی هشتم: به کاهش غیرموجه بدهی‌های معوق با هدف افزایش درآمد خالص گزارش شده مربوط است.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از هشت سناریوی اخلاقی استفاده شد که هر یک نمایانگر نوع خاصی از معضلات اخلاقی در محیط‌های کسب‌وکار هستند. سناریوهای اول، دوم و پنجم به مسائل مرتبط با حسابداری و گزارشگری مالی می‌پردازند و برای سنجش قضاوت اخلاقی در زمینه حرفه‌ای طراحی شده‌اند. سناریوهای سوم، چهارم و هفتم به معضلات اخلاقی مرتبط با منافع شخصی و روابط بین فردی اختصاص دارند. سناریوهای ششم و هشتم نیز به موضوعات مدیریت سود و دستکاری اطلاعات مالی مربوط می‌شوند. این تنوع در سناریوها امکان سنجش قضاوت اخلاقی در زمینه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. پس از مطالعه هر سناریو، دانشجویان به ۲۰ سوال از مقیاس چندبعدی اخلاق پاسخ دادند. این سوالات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که پنج فلسفه اخلاقی (عدالت، نسبی‌گرایی، قراردادگرایی، خودگرایی و فایده‌گرایی) را اندازه‌گیری می‌کنند. برای سنجش فرضیه اول (تفاوت در قضاوت اخلاقی کلی)، میانگین نمرات تمامی سناریوها برای هر دو گروه محاسبه و مقایسه شد. برای آزمون فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم (گرایش به قراردادگرایی، نسبی‌گرایی و خودگرایی)، نمرات مربوط به هر فلسفه اخلاقی از مجموع پاسخ‌ها استخراج و مورد مقایسه قرار گرفت. فرضیه پنجم نیز با تفکیک پاسخ‌ها بر اساس جنسیت و مقایسه میانگین نمرات قضاوت اخلاقی بین دو گروه زنان و مردان آزموده شد. به عبارتی، ساختار پرسشنامه به گونه‌ای است که هر فرضیه با زیرمجموعه‌ای از سوالات مرتبط با همان سازه سنجیده می‌شود. سناریوهای متنوع نیز بستر این سنجش را در موقعیت‌های مختلف فراهم می‌آورد تا نتایج از استحکام بیشتری برخوردار باشند. پاسخ‌ها به سوالات پرسشنامه براساس مقیاس طیف لیکرت از ۱ تا ۷ اندازه‌گیری شدند. همچنین تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم افزار Excel به عنوان مبنای تجمیع داده‌ها و نرم افزار Amos به عنوان ابزار مدل معادلات ساختاری انجام گرفت.

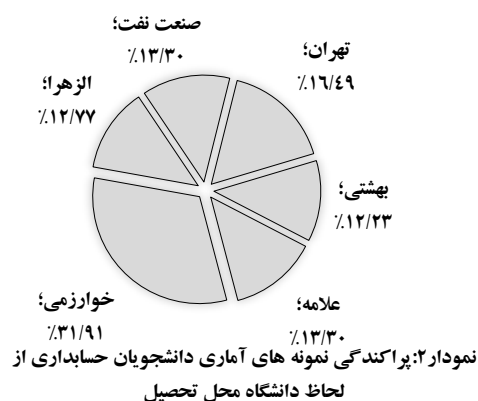
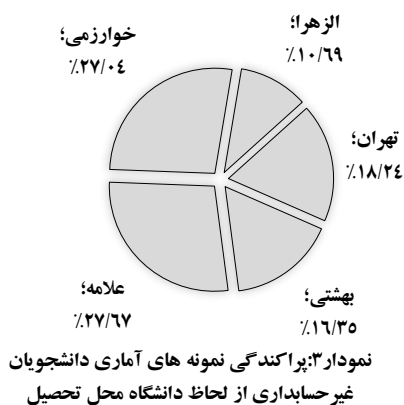
۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی

در این بخش ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری تشریح می‌گردد. ویژگی‌هایی که در این بخش مورد تحلیل قرار می‌گیرند عبارتند از سن، جنسیت، پراکندگی در دانشگاه‌های دولتی تهران که در ادامه نمایش داده شده است.

جدول ۱: (پراکندگی نمونه‌های آماری)

گروه	زن	مرد	جمع:	سن: ۱۸	سن: ۱۹	سن: ۲۰	جمع:
حسابداری	۱۰۱	۸۷	۱۸۸	۱۷۲	۱۱	۵	۱۸۸
غیرحسابداری	۸۲	۷۴	۱۵۶	۱۳۶	۱۷	۳	۱۵۶
جمع:	۱۸۳	۱۶۱	۳۴۴	۳۰۸	۲۸	۸	۳۴۴



۵-۲- آمار توصیفی شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

در این بخش به بررسی توصیفی شاخص‌های پژوهش پرداخته می‌شود؛ ویژگی‌هایی که در این بخش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند عبارتند از کمینه، بیشینه، چولگی و کشیدگی. جدول ۲ ویژگی‌های پیش‌گفته را برای پرسش پژوهش نشان می‌دهد:

جدول ۲: (سنجش توصیفی متغیرهای آشکار پژوهش)

متغیر آشکار	تعداد مورد سنجش	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی
Q ۱	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۴۸۱	۱,۰۹۹-
Q ۲	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۴۸۱	۱,۰۹۷-
Q ۳	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۵۶۰	۰,۹۶۵-
Q ۴	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۳۸۱	۱,۱۷۹-
Q ۵	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۱۸۰	۱,۱۶۴-
Q ۶	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۹۶	۱,۱۸۹-
Q ۷	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۶۹	۱,۱۹۹-
Q ۸	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۱۸۳	۱,۱۷۴-
Q ۹	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۹۰-	۱,۲۴۴-
Q ۱۰	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۵۴-	۱,۲۶۷-
Q ۱۱	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۳۹	۱,۲۰۹-
Q ۱۲	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۸۳	۱,۰۰۹-
Q ۱۳	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۵۲	۱,۲۲۸-
Q ۱۴	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۹۲	۱,۱۰۲-
Q ۱۵	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۰۵	۱,۳۵۲-
Q ۱۶	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۱۷	۱,۲۷۴-
Q ۱۷	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۶۴	۱,۱۷۷-
Q ۱۸	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۳۰۳	۱,۳۸۹-
Q ۱۹	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۲۶۷	۱,۱۴۹-
Q ۲۰	۳۴۴	۱,۰۰	۷,۰۰	۰,۳۸۱	۱,۳۵۶-

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها در سطح تک‌متغیره، شاخص‌های چولگی و کشیدگی به همراه مقادیر کمینه و بیشینه مطابق با جدول ۲ مورد ارزیابی قرار گرفت. دامنه تغییرات تمامی متغیرها در بازه ۱ تا ۷ قرار دارد که نشان‌دهنده عدم وجود داده‌های پرت است. برای قضاوت در مورد نرمال بودن، از معیارهای پیشنهادی وست، فینچ و کران (۱۹۹۵) و کلاین (۲۰۱۱) استفاده شده است. بر این اساس، مقادیر چولگی کوچکتر از قدر مطلق ۲ و مقادیر کشیدگی کوچکتر از قدر مطلق ۷ به عنوان آستانه‌های قابل قبول برای نرمال بودن در نظر گرفته می‌شوند. همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، تمامی متغیرهای پژوهش از چولگی و کشیدگی در دامنه مطلوب برخوردارند. در نمونه‌های با حجم بالا (مانند $n=344$) اتکا به مقادیر چولگی و کشیدگی به عنوان معیارهای عملی، روشی پذیرفته‌شده در ادبیات روش‌شناسی است. برای اطمینان بیشتر، نرمال بودن چندمتغیره نیز در جدول ۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳: (سنجش نرمال بودن چندمتغیره داده‌ها)

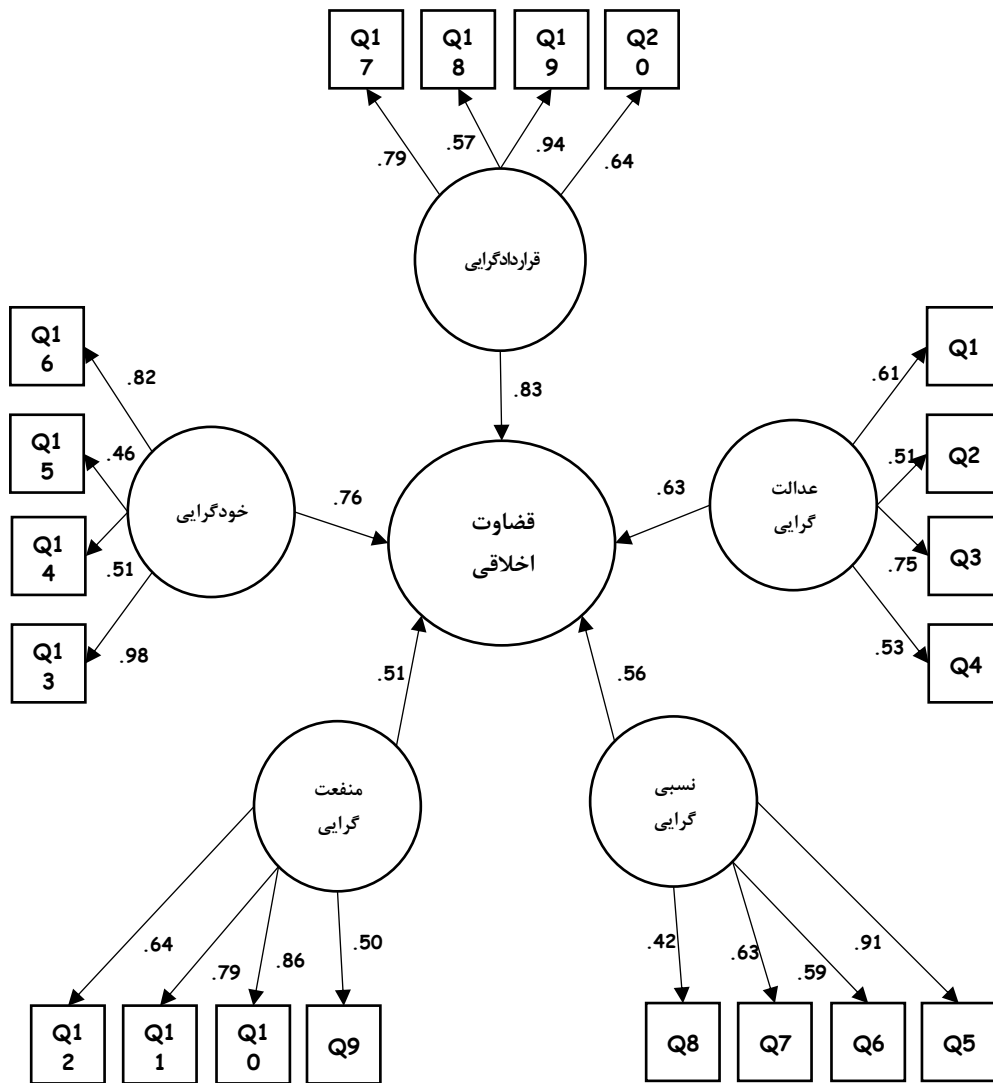
شاخص مورد سنجش	مقدار	حد مطلوب معیار
چولگی چندمتغیره مار دیا	۱,۸۴	-
نسبت بحرانی چولگی چندمتغیره	۰,۹۴	< ۱,۹۶
کشیدگی چندمتغیره مار دیا	۲,۶۸	< ۳
نسبت بحرانی کشیدگی چندمتغیره	۱,۲۱	< ۱,۹۶

برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره که پیش‌نیاز اصلی مدل‌سازی معادلات ساختاری است، مطابق با جدول ۳ از آزمون مار دیا (۱۹۷۰) استفاده شد. نتایج آزمون، نسبت بحرانی چولگی چندمتغیره (۰/۹۴) را کوچکتر از ۱/۹۶ نشان می‌دهد که نشان‌دهنده عدم وجود انحراف معنادار از نرمال بودن چندمتغیره در بعد چولگی است. همچنین مقدار کشیدگی چندمتغیره (۲/۶۸) مطابق با معیار مار دیا (۱۹۷۰) و کلاین (۲۰۱۱) در دامنه مطلوب قرار دارد. نسبت بحرانی کشیدگی چندمتغیره (۱/۲۱) نیز کوچکتر از ۱/۹۶ است که مؤید عدم وجود انحراف معنادار در بعد کشیدگی می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که داده‌های پژوهش حاضر از توزیع نرمال چندمتغیره پیروی می‌کنند و نتایج حاصل از آن قابل اعتماد خواهد بود.

جدول ۳: (سنجش توصیفی متغیرهای پنهان پژوهش)

متغیر پنهان	تعداد مورد سنجش	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
عدالت‌گرایی (JST)	۳۴۴	۳,۲۱۵	۱,۷۳۹	۰,۳۲۳	۱,۱۰۶-
نسبی‌گرایی (RLT)	۳۴۴	۳,۳۹۰	۱,۷۳۰	۰,۲۲۶	۱,۰۲۶-
منفعت‌گرایی (UTL)	۳۴۴	۳,۸۹۸	۱,۷۲۵	۰,۰۱۷-	۱,۰۷۰-
خودگرایی (EGS)	۳۴۴	۳,۴۳۲	۱,۶۰۴	۰,۱۲۳	۱,۱۵۷-
قراردادگرایی (CNT)	۳۴۴	۳,۵۰۲	۱,۷۳۳	۰,۳۰۶	۰,۹۸۸-

همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است؛ مقادیر میانگین کلیه متغیرها در نمونه کمتر از محدوده متوسط (+۳ _ ۴) قرار دارد؛ همچنین برای کلیه متغیرها، پراکندگی بالای ۰,۵ است که نشان‌دهنده عدم وجود داده بی‌تفاوت در میان داده‌ها است. همچنین با توجه به خروجی ضرایب مطلوب چولگی و کشیدگی در جدول ۳، نرمال بودن توزیع داده‌ها قابل استنباط است.



نمودار ۴: مدل معادلات ساختاری پژوهش در حالت ضرایب استاندارد

۳-۵- آمار استنباطی

در این بخش ابتدا به تحلیل عاملی تأییدی، سپس بررسی برازش مدل اندازه‌گیری و در ادامه ارزیابی پایایی و روایی سازه و در نهایت بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش پرداخته شده است. در تحلیل عاملی تأییدی رابطه متغیرهای پنهان با گویه‌ها (متغیرهای مشاهده‌پذیر) مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ این آزمون از طریق بررسی معناداری بارعاملی هریک از متغیرهای آشکار صورت پذیرد.

جدول ۴: (سنجش معناداری متغیرهای پنهان با گویه‌های پژوهش)

متغیر آشکار	متغیر پنهان	T_Value	Sig	بار عاملی
Q ۱	عدالت‌گرایی (JST)	۴,۵۸۱	***	۰,۶۰۷
Q ۲		۳,۶۰۹	***	۰,۵۱۱
Q ۳		۲,۳۶۴	***	۰,۷۴۷
Q ۴			***	۰,۵۳۲
Q ۵	نسبی‌گرایی (RLT)	۷,۰۱۱	***	۰,۹۰۱
Q ۶		۵,۴۶۶	***	۰,۵۸۷
Q ۷		۴,۳۵۲	***	۰,۶۳۴
Q ۸			***	۰,۴۲۵
Q ۹	منفعت‌گرایی (UTL)	۵,۸۱۷	***	۰,۴۹۹
Q ۱۰		۶,۱۲۳	***	۰,۸۶۱
Q ۱۱		۹,۶۴۵	***	۰,۷۹۴
Q ۱۲			***	۰,۶۳۹
Q ۱۳	خودگرایی (EGS)	۴,۷۷۷	***	۰,۹۸۷
Q ۱۴		۶,۹۸۷	***	۰,۵۰۷
Q ۱۵		۹,۸۵۳	***	۰,۴۶۳
Q ۱۶			***	۰,۸۲۱
Q ۱۷	قراردادگرایی (CNT)	۲,۱۹۶	***	۰,۷۹۵
Q ۱۸		۵,۴۳۷	***	۰,۵۷۴
Q ۱۹		۶,۳۴۱	***	۰,۹۴۳
Q ۲۰			***	۰,۶۳۷

در تحلیل عاملی، بارهای عاملی که همان همبستگی بین متغیر مکنون و شاخص‌ها هستند باید از نظر آماری معنادار بوده و ضریب بارهای عاملی نیز کمینه بالای ۰,۴ باشد که با توجه به نتایج جدول ۴ از آنجا که بارهای عاملی تمامی پرسش‌ها بیشتر از ۰,۴ بوده و مقادیر T-VALUE خارج از بازده (۱,۹۶+ و ۱,۹۶-) و مقادیر Sig نیز کمتر از ۰,۰۱ است، می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹٪، کلیه پرسش‌های پرسشنامه پژوهش از نظر آماری معنادار است.

۴-۵- برازش مدل اندازه‌گیری

برازش مدل بدین معناست که چه میزان یک مدل نظری با واقعیت سازگاری دارد؛ برای ارزیابی برازش مدل پژوهش چندین مشخصه برازندگی وجود دارد که در این پژوهش از شاخص کای دوبردرجه آزادی، RMSEA، PNFI، GFI، NFI، TLI، CFI، RFI، IFI استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۵ قابل مشاهده است:

جدول ۵: (سنجش برازش مدل پژوهش)

نوع شاخص برازش	شاخص	حد مطلوب	مقدار سنجیده شده
	کای دو بر درجه آزادی	کمتر از ۳	۱,۶۷۹
مقتصد	RMSEA	کمتر از ۰,۰۵	۰,۰۳۲۱
	PNFI	بیشتر از ۰,۵	۰,۹۶۷
	GFI	بیشتر از ۰,۹	۰,۹۳۱
مطلق	AGFI	بیشتر از ۰,۹	۱,۰۱۵
	NFI	بیشتر از ۰,۹	۰,۹۷۷
	TLI	بیشتر از ۰,۹	۰,۸۹۹
مقایسه ای	CFI	بیشتر از ۰,۹	۱,۱۰۶
	RFI	بیشتر از ۰,۹	۰,۸۹۱
	IFI	بیشتر از ۰,۹	۰,۹۵۹

همانطور که در جدول ۵ قابل مشاهده شده است، شاخص‌های برازشی در سه نوع مورد بررسی قرار گرفته که نتایج بیانگر وضعیت مناسب و مطلوب برازش مدل پژوهش است.

۵-۵- پایایی سازه

در این پژوهش به منظور سنجش پایایی از دو معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده است؛ آلفای کرونباخ همبستگی درونی پرسش‌ها یک متغیر را بیرون از مدل پژوهش و پایایی ترکیبی، همبستگی درونی پرسش‌های یک متغیر در داخل معادلات ساختاری را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: (سنجش پایایی سازه)

متغیر پنهان	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	حد مطلوب معیار
عدالت‌گرایی (JST)	۰,۹۸۱	۰,۷۸۴	بیشتر از ۰,۷
نسبی‌گرایی (RLT)	۰,۸۵۲	۰,۹۰۱	بیشتر از ۰,۷
منفعت‌گرایی (UTL)	۰,۷۹۹	۰,۸۶۵	بیشتر از ۰,۷
خودگرایی (EGS)	۰,۷۳۶	۰,۷۷۱	بیشتر از ۰,۷
قراردادگرایی (CNT)	۰,۹۴۲	۰,۸۶۴	بیشتر از ۰,۷

با توجه به اینکه مقدار مناسب آلفای کرونباخ و شاخص پایایی ترکیبی بیشتر از ۰,۷ است؛ مطابق با یافته‌های جدول ۶، مقادیر بدست آمده برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰,۷ بوده و بنابراین پایایی در سطح مطلوب و قابل قبول قرار دارد.

۵-۶- روایی سازه

در این پژوهش برای بررسی روایی از روایی همگرا (معیار میانگین واریانس استخراجی متغیرها) و روایی واگرا (روش فورنل و لارکر) استفاده شده است که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آنها مورد تفسیر قرار می‌گیرد. روایی همگرا میزان همبستگی درونی و همسویی گویه‌ها (متغیرهای آشکار) یک متغیر را نشان می‌دهد و در روایی همگرا، میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه با رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها بررسی می‌گردد.

جدول ۷: (سنجش روایی همگرا)

متغیر پنهان	روایی همگرا	حد مطلوب معیار
عدالت‌گرایی (JST)	۰,۵۸۹	بیشتر از ۰,۴
نسبی‌گرایی (RLT)	۰,۴۷۳	بیشتر از ۰,۴
منفعت‌گرایی (UTL)	۰,۵۲۷	بیشتر از ۰,۴
خودگرایی (EGS)	۰,۶۵۱	بیشتر از ۰,۴
قراردادگرایی (CNT)	۰,۷۴۹	بیشتر از ۰,۴

با توجه به اینکه مقدار مناسب AVE، بالاتر از ۰,۴ است؛ مطابق با یافته‌های جدول ۷ می‌توان گفت روایی همگرا مناسب است.

جدول ۸: (سنجش روایی واگرا)

متغیر پنهان	عدالت‌گرایی (JST)	نسبی‌گرایی (RLT)	منفعت‌گرایی (UTL)	خودگرایی (EGS)	قراردادگرایی (CNT)
عدالت‌گرایی (JST)	۰,۷۶۷				
نسبی‌گرایی (RLT)	۰,۶۶۰	۰,۶۸۷			
منفعت‌گرایی (UTL)	۰,۶۵۲	۰,۶۴۳	۰,۷۲۵		
خودگرایی (EGS)	۰,۵۴۲	۰,۶۲۹	۰,۶۵۸	۰,۸۰۶	
قراردادگرایی (CNT)	۰,۵۱۱	۰,۵۰۱	۰,۶۲۳	۰,۷۹۱	۰,۸۶۵

با توجه به اینکه مقدار جذر AVE همه متغیرها از میزان همبستگی میان هر متغیر با متغیرهای دیگر بیشتر است، می‌توان گفت که مطابق جدول ۸ متغیرهای پنهان در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با متغیرهای دیگر، براین اساس می‌توان روایی واگرا را مناسب دانست.

جدول ۹: (آزمون چندگروهی فرضیات)

فرضیات	ضریب گروه حسابداری	ضریب گروه غیر حسابداری	تفاوت کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری Sig	نتیجه سنجش فرضیه
دانشجویانی که در رشته حسابداری ثبت‌نام می‌کنند، اقداماتی که از نظر اخلاقی مشکوک‌اند را غیر اخلاقی‌تر از دانشجویان رشته‌های دیگر کسب و کار می‌دانند.	۰,۳۵	۰,۳۸	۱,۶۸	۱	$0,05 <$	رد معناداری
دانشجویانی که رشته حسابداری را برای آموزش عالی انتخاب می‌کنند، نسبت به دانشجویانی که تصمیم به تحصیل در سایر رشته‌های کسب و کار می‌گیرند، گرایش بیشتری به قراردادگرایی دارند.	۰,۴۸	۰,۳۲	۸,۴۱	۱	$0,001 >$	تایید با معناداری بسیار قوی
دانشجویانی که رشته حسابداری را انتخاب می‌کنند، نسبت به دانشجویانی که تصمیم به تحصیل در سایر رشته‌های کسب و کار می‌گیرند؛ گرایش بیشتری به نسبی‌گرایی دارند.	۰,۴۳	۰,۵۱	۲,۳۶	۱	$0,05 <$	رد معناداری
دانشجویانی که رشته حسابداری را انتخاب می‌کنند، نسبت به دانشجویانی که تصمیم به تحصیل در سایر رشته‌های کسب و کار می‌گیرند؛ گرایش بیشتری به خودگرایی دارند.	۰,۴۶	۰,۳۱	۹,۱۵	۱	$0,001 >$	تایید با معناداری بسیار قوی

در فرضیه ۱؛ ما فرض می‌کنیم دانشجویانی که در رشته حسابداری ثبت‌نام می‌کنند، موقعیت‌های مشکوک اخلاقی را غیر اخلاقی‌تر از سایر رشته‌های حوزه کسب و کار می‌دانند؛ همانطور که در جدول ۱۰ قابل مشاهده است، سنجش مقایسه‌ای بین گروه دانشجویان حسابداری و غیر حسابداری معنادار نبوده ($0,05 <$)، بنابراین فرضیه ۱ تأیید نمی‌شود. نتایج حاصل از آزمون گروهی (دانشجویان حسابداری و غیر حسابداری) فرضیه ۲ و فرضیه ۴ نشان می‌دهد که خودخواهی و قراردادگرایی، تأثیر قوی‌تری بر قضاوت اخلاقی دانشجویان حسابداری نسبت به دانشجویان غیر حسابداری دارد ($0,001 >$)، بنابراین معناداری این دو فرضیه مبنی بر تمایل بیشتر دانشجویان حسابداری به قراردادگرایی و خودگرایی اثبات شد. همچنین با توجه به نتایج حاصل از سنجش مقایسه‌ای فرضیه ۳؛ معناداری این فرضیه رد ($0,05 <$) و علی‌رغم تأثیر نسبی‌گرایی بر قضاوت

اخلاقی دانشجویان رشته‌های حوزه کسب‌وکار، گرایش بیشتری از جانب دانشجویان حسابداری به مؤلفه نسبی گرای استنتاج نشد.

جدول ۱۰: (آزمون چندگروهی فرضیات)

نتیجه سنجش فرضیه	سطح معناداری Sig	درجه آزادی	تفاوت کای اسکوئر	ضریب گروه زن	ضریب گروه مرد	فرضیات
د معناداری	$0.05 <$	۱	۰.۹۲	۰.۴۴	۰.۴۷	زنان، اقداماتی که از نظر اخلاقی مشکوک‌اند را غیر اخلاقی‌تر از مردان ارزیابی می‌کنند.

آزمون گروهی (دانشجویان زن و مرد) از بابت سنجش فرضیه ۵؛ هیچ تأثیر معناداری از مؤلفه جنسیت بر قضاوت اخلاقی را نشان نمی‌دهد ($0.05 <$)؛ بنابراین این که زنان موقعیت‌های مشکوک اخلاقی را نسبت به مردان غیر اخلاقی‌تر ارزیابی می‌کنند، تأیید نمی‌شود.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌گرایش‌های اخلاقی دانشجویان حسابداری در مقایسه با دانشجویان سایر رشته‌های کسب‌وکار و با تمرکز بر دانشجویان سال اول (پیش از مواجهه با آموزش تخصصی) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که اگرچه تفاوت معناداری در قضاوت اخلاقی کلی بین دو گروه وجود ندارد، اما در فلسفه‌های اخلاقی مورد بررسی، تفاوت‌های چشمگیری مشاهده شد. دانشجویان حسابداری گرایش قوی‌تری به قراردادگرایی و خودگرایی نشان دادند، در حالی که در نسبی‌گرایی تفاوت معناداری بین دو گروه یافت نشد.

همچنین جنسیت تأثیر معناداری بر قضاوت اخلاقی نداشت. فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه دانشجویان حسابداری اقدامات مشکوک اخلاقی را غیر اخلاقی‌تر از سایر دانشجویان ارزیابی می‌کنند، تأیید نشد. این یافته با پژوهش‌هایی همسو است که نشان می‌دهند پیش از ورود به آموزش تخصصی، تفاوت معناداری در قضاوت اخلاقی دانشجویان رشته‌های مختلف وجود ندارد (سگال و همکاران، ۲۰۱۱؛ نوبوم و همکاران، ۲۰۰۹). از منظر نظریه خودانتخابی (هالند، ۱۹۹۷)، این یافته حاکی از آن است که اگرچه دانشجویان بر اساس تیپ‌های شخصیتی متفاوت رشته خود را انتخاب می‌کنند، اما این تفاوت‌های شخصیتی لزوماً به تفاوت در قضاوت اخلاقی کلی منجر نمی‌شود. به عبارتی، قضاوت اخلاقی به عنوان یک سازه شناختی، احتمالاً بیشتر تحت تأثیر آموزش و جامعه‌پذیری حرفه‌ای قرار می‌گیرد تا پیش‌گرایش‌های شخصیتی (پونمن، ۱۹۹۲).

فرضیه دوم با قوت تأیید شد: دانشجویان حسابداری گرایش بیشتری به قراردادگرایی دارند. این یافته با ماهیت حرفه حسابداری که مبتنی بر قوانین، مقررات و استانداردهای حرفه‌ای است،

همخوانی کامل دارد (فریماوکس، ۲۰۲۰). از دیدگاه نظریه هالند (۱۹۹۷)، تیپ شخصیتی قراردادی که با ویژگی‌هایی چون نظم، دقت و پایبندی به قواعد شناخته می‌شود، با فلسفه اخلاقی قراردادی سازگاری دارد. داگلاس و همکاران (۲۰۰۱) نیز پیش‌تر گزارش کرده بودند که کدهای رفتار حرفه‌ای و جهت‌گیری نسبت به قوانین سازمانی، از جمله عواملی هستند که بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران تأثیر می‌گذارند. آنچه پژوهش حاضر به این یافته‌ها می‌افزاید، آن است که این گرایش به قراردادی حتی پیش از ورود به آموزش تخصصی و صرفاً بر اساس مکانیسم خودانتخابی در دانشجویان حسابداری وجود دارد.

فرضیه سوم مبنی بر گرایش بیشتر دانشجویان حسابداری به نسبی‌گرایی تأیید نشد. اگرچه نسبی‌گرایی بر قضاوت اخلاقی همه دانشجویان تأثیر معناداری داشت، اما این تأثیر بین دو گروه تفاوت معناداری نشان نداد. این یافته با پژوهش تان و لسوید (۲۰۰۶) که نشان داد دانشجویان حسابداری در انتخاب رشته خود بیش از سایرین تحت تأثیر خانواده هستند، همسو نیست. یک تبیین احتمالی آن است که اگرچه دانشجویان حسابداری ممکن است در انتخاب رشته تحت تأثیر هنجارهای خانوادگی باشند، اما این تأثیرپذیری لزوماً به معنای پذیرش فلسفه نسبی‌گرایی در قضاوت‌های اخلاقی نیست. به عبارتی، نسبی‌گرایی به‌عنوان یک فلسفه اخلاقی، فراتر از تأثیرپذیری از خانواده در یک تصمیم خاص است و ممکن است تحت تأثیر عوامل فرهنگی گسترده‌تری قرار گیرد که بین دانشجویان رشته‌های مختلف مشترک است (مرلو و پراواتو، ۲۰۲۱).

فرضیه چهارم با قوت تأیید شد: دانشجویان حسابداری گرایش بیشتری به خودگرایی دارند. این یافته با پژوهش بیکن و همکاران (۲۰۱۷) همسو است که نشان دادند دانشجویان کسب‌وکار بیشتر از هم‌تایان غیرکسب‌وکاری خود، تصمیماتشان را بر پایه خودگرایی اتخاذ می‌کنند. اگرچه از حسابداران انتظار می‌رود منافع عمومی را در اولویت قرار دهند (برومل، ۲۰۱۷)، اما مجموعه رسوایی‌های مالی مانند انرون نشان داده که در عمل، منافع شخصی گاهی بر منافع عمومی غلبه می‌کند (داونپارت و دلاپورتاس، ۲۰۰۹). یافته حاضر نشان می‌دهد که این گرایش به خودگرایی، ریشه در پیش‌گرایش‌های پیش از ورود به دانشگاه دارد. مشوق‌های مالی و چشم‌انداز شغلی که از عوامل اصلی انتخاب رشته حسابداری در سراسر جهان گزارش شده‌اند (خلید و همکاران، ۲۰۱۹؛ انگت و همکاران، ۲۰۲۰)، می‌توانند تبیین‌کننده این گرایش باشند.

فرضیه پنجم مبنی بر اینکه دانشجویان زن اقدامات مشکوک اخلاقی را غیراخلاقی‌تر از مردان ارزیابی می‌کنند، تأیید نشد. این یافته با پژوهش‌هایی که تفاوت جنسیتی در قضاوت اخلاقی را رد کرده‌اند، همسو است (موباکو و همکاران، ۲۰۲۰؛ وانگ و کالوانو، ۲۰۱۵). اگرچه برخی نظریه‌پردازان مانند گیلیگان (۱۹۸۲) بر تفاوت‌های اخلاقی بین زنان و مردان تأکید دارند، اما

یافته‌های تجربی در این زمینه یکدست نیست. به نظر می‌رسد در زمینه فرهنگی ایران و در میان دانشجویان جدیدالورود، جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در قضاوت اخلاقی ندارد. این یافته با پژوهش برزگر و عاطفی (۱۳۹۵) که تفاوت جنسیتی در ادراک اخلاقی را تأیید نکردند، همخوانی دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر دانشجویان سال اول و کنترل اثر آموزش، شواهد تجربی در مورد وجود پیش‌گرایش‌های اخلاقی در بدو ورود به دانشگاه ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان حسابداری پیش از دریافت آموزش تخصصی، گرایش بیشتری به قراردادگرایی و خودگرایی دارند که این امر مؤیدی بر فرضیه خودانتخابی است. این یافته‌ها برای آموزش حسابداری از اهمیت بالایی برخوردارند، زیرا درک پیش‌گرایش‌های اخلاقی می‌تواند راهنمایی برای طراحی و بومی‌سازی آموزش اخلاق در برنامه‌های درسی حسابداری فراهم آورد. هدف اصلی آموزش اخلاق، هدایت دانشجویان به سوی دستیابی به بالاترین سطح رشد شناختی اخلاقی است؛ سطحی که در آن قضاوت اخلاقی فرد بر باورهای شخصی خودش استوار است و فراتر از دیدگاه‌های جامعه، فرهنگ، خانواده، هم‌تایان و منافع شخصی عمل می‌کند. برای دستیابی به این هدف، آموزش باید ضمن تقویت جنبه‌های مثبت قراردادگرایی، به تعدیل خودگرایی و ارتقای تفکر انتقادی فراتر از هنجارهای فرهنگی بپردازد.

پژوهش حاضر مانند هر مطالعه تجربی دیگر، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. مهم‌ترین محدودیت، عدم کنترل کامل متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر خودانتخابی نظیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، معدل پیش از دانشگاه، و ارزش‌های خانوادگی است. اگرچه تمرکز بر دانشجویان سال اول تلاشی برای تفکیک اثر آموزش از پیش‌گرایش‌ها بود، اما این متغیرها می‌توانند بر یافته‌ها تأثیر گذاشته باشند. محدودیت دیگر، قلمرو جغرافیایی و نمونه‌گیری است؛ جامعه آماری محدود به دانشجویان جدیدالورود دانشگاه‌های دولتی تهران بوده و تعمیم نتایج به سایر دانشگاه‌ها و شهرستان‌ها باید با احتیاط صورت پذیرد. از حیث ابزار اندازه‌گیری، استفاده از سناریوهای فرضی همواره با فاصله احتمالی نگرش-رفتار مواجه است. همچنین طراحی مقطعی پژوهش، امکان بررسی تغییرات پیش‌گرایش‌های اخلاقی در طول زمان را فراهم نمی‌سازد. در نهایت، دامنه فلسفه‌های اخلاقی بررسی شده محدود به پنج فلسفه بوده و سایر چارچوب‌ها (مانند اخلاق مراقبت و اخلاق فضیلت‌محور) مد نظر نبوده‌اند.

پژوهش‌های آتی می‌توانند با ورود متغیرهای زمینه‌ای نظیر ارزش‌های خانوادگی و... مدل پژوهش حاضر را تعمیق بخشیده و اثر پدیده خودانتخابی را دقیق‌تر ارزیابی کنند. انجام پژوهش‌های طولی که دانشجویان را از بدو ورود تا فراغت از تحصیل دنبال کند، می‌تواند تصویر روشن‌تری از فرآیند جامعه‌پذیری حرفه‌ای ارائه دهد. همچنین گسترش دامنه جغرافیایی نمونه‌گیری به سایر دانشگاه‌ها و شهرستان‌ها، بررسی سایر فلسفه‌های اخلاقی (مانند اخلاق مراقبت و اخلاق اسلامی)،

و استفاده از روش‌های ترکیبی برای واکاوی عمیق‌تر زمینه‌های شکل‌گیری پیش‌گرایش‌های اخلاقی، از دیگر پیشنهاد‌های این مطالعه است.

۷- تقدیر، تشکر و ملاحظه‌های اخلاقی

پژوهش‌گران از تمام کسانی که در این پژوهش همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

۸- پیوست‌ها

پرسشنامه قضاوت اخلاقی:

این پرسشنامه با هدف بررسی دیدگاه‌های دانشجویان در مورد مسائل اخلاقی در محیط‌های کاری است. مشارکت شما در این پرسشنامه با هدف پایش پیش‌گرایش‌های اخلاقی بوده و اطلاعات شما به صورت کاملاً محرمانه مورد استفاده و بررسی قرار خواهد گرفت. از زمان ارزشمندی که برای تکمیل این پرسشنامه قائل می‌شوید، پیشاپیش قدردان و سپاسگزاریم.

سن: جنسیت: رشته تحصیلی: دانشگاه:

راهنمای تکمیل: در ادامه ۸ سناریو ارائه شده است؛ لطفاً هر سناریو را با دقت و آرامش مطالعه کرده و سپس نظر خود را با انتخاب عدد گزینه انتخابی از بین گزینه‌های طیف زیر، در ستون مربوطه درج کنید.

بسیار مخالفم: ۱ مخالفم: ۲ کمی مخالفم: ۳ نظری ندارم: ۴ کمی موافقم: ۵ موافقم: ۶ بسیار موافقم: ۷
سناریوهای ۸ گانه:

* یک شرکت به دلیل رکود اقتصادی نیاز به تعدیل نیرو دارد؛ تحلیل بهره‌وری نشان می‌دهد که یک کارمند قدیمی با سابقه غیبت به دلیل بیماری اعضای خانواده، باید اخراج شود. اما مدیر یک کارمند جدید، جوان و شایسته را اخراج می‌کند.

* یک شرکت محصول جدید و موفق را عرضه کرده؛ مدیرفروش که بخشی از حقوق را به صورت کمیسیون دریافت می‌کند، متوجه می‌شود که آزمایش محصول برای مطابقت با استانداردهای دولتی کافی نبوده. با این حال، آزمایش‌های انجام‌شده احتمال بروز مشکل را کم می‌داند. مدیرفروش به تبلیغ و فروش محصول ادامه می‌دهد.

* از مدیر شرکتی که مشتاق گسترش کسب و کار در خارج از کشور است، درخواست می‌شود تا پیشاپیش و خارج از قرارداد، مبلغی را محرمانه به عنوان "حسن نیت" به طرف خارجی بپردازد. این عمل در آن کشور یک رویه تجاری عادی است و هیچ معنی ندارد؛ اما مدیر به صورت شفاهی اجازه پرداخت را صادر می‌نماید.

* صاحب یک کسب و کار کوچک محلی که با مشکلات مالی مواجه است؛ از یک دوست قدیمی می‌خواهد که یک پایگاه اختصاصی نرم‌افزاری را برایش کپی کند. این نرم‌افزار به کسب و کار کمک زیادی خواهد کرد و قیمت اصلی آن ۵۰۰ دلار است. اما دوست، بسته نرم‌افزاری را به او قرض می‌دهد تا کپی کند.

* مدیر شرکت آگاه می‌شود که به تارگت فروش ۳ ماهه زمستان ۱۴۰۴ خود نخواهد رسید و پیش‌بینی مبلغ فروش ارائه شده به مدیران عالی محقق نخواهد شد. او یک پیش‌سفارش برای سال ۱۴۰۵ دارد که اگر زودتر از موعد به وی تحویل دهد، فروش فصل جاری او به حد نصاب پیش‌بینی شده می‌رسد درحالی که این کار روی مبلغ فروش سالانه ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ اثرگذار است. مدیر سفارش را در فصل جاری انجام و فروش زمستان ۱۴۰۴ خود را به حد نصاب پیش‌بینی شده می‌رساند.

* یک شرکت نوپا برای دریافت وام به یک بانک مراجعه می‌کند؛ مدیر اعتبارات بانک، دوست صاحب شرکت است و مرتباً با او ورزش می‌کند. بانک به جهت نوپا و تازه تاسیس بودن شرکت نمی‌تواند اعطای اعتبار و تسهیلات نماید؛ اما با توصیه مدیر اعتبارات، تسهیلات اعطا می‌شود.

* یک کارمند که صاحب دو فرزند کوچک است، ارتقای شغلی کسب می‌کند و در سمت جدید مجبور است پیوسته در مأموریت و خارج از خانه باشد؛ به دلیل سفرهای مکرر و هزینه‌های زندگی، او قصد دارد برخی از هزینه‌های شخصی کوچک را به حساب شرکت ببندد، او شنیده که این یک رویه معمولی در شرکتها است. او مبلغ ۵۰ دلار برای خرید هدیه برای خانواده‌اش به حساب شرکت هزینه می‌کند.

* مدیرعامل یک شرکت از مدیرمالی خود می‌خواهد طالبات مشکوک الوصول را کاهش دهد تا سود افزایش یابد. او استدلال می‌کند که با توجه به شرایط سخت اقتصادی، این یک رویه معمول در صنعت است. مدیرمالی تعدیل خواسته شده را در حساب‌ها ایجاد می‌کند.

سؤالات پرسشنامه نسبت به سناریوهای مطرح شده:

- بنظرم این کار عادلانه است.
- بنظرم این کار منصفانه است.
- بنظرم این کار منجر به توزیع برابر و رعایت مساوات می‌شود.
- بنظرم این کار از نظر اخلاقی، درست است.
- این کار، هیچ قول یا توافق نانوشته‌ای را نقض نمی‌کند.
- این اقدام قابل قبول است زیرا فرد انجام دهنده اخلاقاً موظف به عمل آنگونه است.
- این اقدام هیچ وعده ناگفته بین طرفین را نقض نمی‌کند.
- این اقدام قابل قبول است زیرا فرد موظف به عمل آنگونه است.
- بنظرم این اقدام برای فرد انجام دهنده مفید است.
- بنظرم این کار باعث ایجاد حس خوب در فرد انجام دهنده می‌شود.
- بنظرم این اقدام محتاطانه و رضایت بخش برای فرد است.
- بنظرم این کار منافع فردی را تامین می‌کند.
- این کار برای دیگران یا جامعه فایده دارد.
- این کار ضرر زیادی برای کسی ندارد.
- این اقدام منجر به نسبت مثبت هزینه فایده می‌گردد.
- این اقدام منافع بیشتری را برای فرد تامین می‌کند.
- خانواده‌ام احتمالاً این کار را تایید می‌کنند.
- از نظر فرهنگی، این کار پذیرفته است.
- از نظر سنتی، این کار پذیرفته است.
- این اقدام برای افرادی که تحسین میکنم، مقبول است.

فهرست منابع

- احمدی لنگری، ز. و گرکز، م. (۱۴۰۲). تأثیر اخلاق حسابداری بر چارچوب‌های اخلاقی چندگانه. همایش ملی حسابداری و مدیریت مالی.
- امیری، ع. و پارسایی، ا. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد دانشجویان حسابداری (مطالعه موردی: استان فارس). اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت مالی.
- اعتمادی، ح. و دیانتی‌دیلمی، ز. (۱۳۸۸). تأثیر دیدگاه اخلاقی مدیران مالی بر کیفیت گزارش مالی شرکت‌ها. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری.
- بنی مهد بهمن، گل محمدی آرش. بررسی رابطه میان جو اخلاقی و هشداردهی در مورد تقلب از طریق مدل گزارشگری اختیاری در حرفه حسابرسی ایران. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۱۳۹۶؛ ۲ (۳): ۶۱-۸۶.
- بادآور نهندی، ی. و تقی‌زاده خانقاه، و. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته حسابداری توسط دانشجویان ایرانی. فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۷(۲۶)، ۴۵-۶۲.
- رفاهی بخش سمانه، محمدی مهدی. تأثیر ماکیاولیسم بر خشم اخلاقی حسابداران رسمی: مقایسه تطبیقی بخش دولتی و خصوصی. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۱۴۰۱؛ ۷(۱۴): ۲۲۳-۲۵۰.
- حاجیه‌ها، ز. و رجب‌دردی، ح. (۱۳۹۶). اخلاق حرفه‌ای، فرهنگ سازمانی، مدرسان، حسابداری. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۳(۴۸)، ۲۰۹-۱۷۹.
- حسینی، س. ع. و بابائی، ف. (۱۳۹۸). ضرورت آموزش اخلاق و ارزش‌های اسلامی در برنامه درسی رشته حسابداری دانشگاه‌های ایران. حسابداری و منافع اجتماعی، ۹(۱)، ۴-۲۱.
- عاطفی، م. و برزگر، ا. (۱۳۹۵). ماهیت اخلاق پولی و ادراک اخلاقی دانشجویان حسابداری: نقش ویژگی‌های فردی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۴).
- فرزین فرشیده، بنی طالبی دهکردی بهاره، بخشی نژاد محمود. ارتباط سازه‌های فردی و اجتماعی برآموزش اخلاق حرفه‌ای حسابداری. اخلاق در علوم و فناوری. ۱۳۹۷؛ ۱۳ (۱): ۱۴۵-۱۵۳.
- کامرانی هدی، اعتمادی حسین، رضازاده جواد. بررسی تأثیر زیرساخت‌های رسمی اخلاقی در سازمان بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران: با نقش میانجی گرایش به ریسک‌پذیری. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۱۴۰۲؛ ۸ (۱۵): ۳۷-۷۴.

- کرمشاهی، ب. و خادمی، ع. (۱۴۰۳). مقایسه رفتار اخلاقی دانشجویان حسابداری با دانشجویان سایر رشته‌های دانشگاهی در ایران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی.
- محمود معین‌الدین، م.، عضدی، ز.، و حاجی حسینی، آ. (۱۴۰۴). تأثیر اخلاق حرفه‌ای و هوش معنوی بر کمال‌گرایی حسابداران. مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی.
- مهدوی، غ.، و ابراهیمی، ف. (۱۳۹۲). ارزش‌های حرفه‌ای و ادراک اخلاقی حسابرسان داخلی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران. حسابداری سلامت، ۲(۳).
- مهرانی، ک.، نرگسیان، ع.، و گنجی، ک. (۱۳۹۵). بررسی پیشایندها و پسایندهای احساس تبعیض جنسیتی در حرفه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۱).
- مجتهدزاده، و.، اثنی‌عشری، ح.، و رباط میلی، م. (۱۳۹۳). نقش اخلاق در حسابداری و چالش‌های پیش روی آموزش دانشگاهی. حسابداری و منافع اجتماعی، ۴(۲)، ۱۵۷-۱۷۹.
- ناظمی اردکانی، م.، و جمالی، ز. (۱۳۹۴). مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان حسابداری برای ورود به حرفه. حسابرسی، ۱۷(۸۱)، ۱۱۱-۱۰۶.

- Alanezi, F., Alfraih, M., Haddad, A. E., & Altaher, N. (2016). Factors influencing students' choice of accounting as a major: Further evidence from Kuwait. *Global Review of Accounting and Finance*, 7(1), 165-177.
- Ali, S. S. S., & Tinggi, M. (2013). Factors influencing the students' choice of accounting as a major. *IUP Journal of Accounting Research & Audit Practices*, 12(4), 25-42.
- Alleyne, P., Cadogan-McClean, C., & Harper, A. (2013). Examining personal values and ethical behaviour perceptions between accounting and non-accounting students in the Caribbean. *The Accounting Educators' Journal*, 23, 47-70.
- Armstrong, M. B. (1993). Ethics and professionalism in accounting education: A sample course. *Journal of Accounting Education*, 11(1), 77-92.
- Awadallah, E., & Elgharbawy, A. (2021). Utilizing the theory of reasoned action in understanding students' choice in selecting accounting as major. *Accounting Education*, 30(1), 86-106.

- Azevedo, R. F. L., & Sugahara, S. (2012). The factors influencing accounting students' career intention to become an accounting professional in Brazil. *International Journal of Arts and Commerce*, 1(3), 1–18.
- Bardi, A., & Schwartz, S. H. (2003). Values and behavior: Strength and structure of relations. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(10), 1207–1220.
- Barrett, H. C., & Saxe, R. R. (2021). Are some cultures more mind-minded in their moral judgements than others? *Philosophical Transactions of the Royal Society B*, 376.
- Beekun, R. I., Alayoglu, N., Öztürk, A. O., Babacan, M., & Westerman, J. W. (2017). Gauging the ethicality of students in Turkish institutions of higher education. *Journal of Business Ethics*, 142(1), 185–197.
- Bilwani, S., & Anjum, G. (2022). Gender differences in making moral decisions: The ethics of care perspective in Pakistan. *Ethics and Social Welfare*, 16(1), 73–89.
- Borkowski, S. C., & Yusuf, U. J. (1992). The ethical attitudes of students as a function of age, sex and experience. *Journal of Business Ethics*, 11(12), 961–979.
- Botes, A. (2000). A comparison between the ethics of justice and the ethics of care. *Journal of Advanced Nursing*, 32(5), 1071–1075.
- Brown, D. (2000). The interaction of person-environment fit and demographic diversity: Examining the effects of gender on ethical decision making. *Journal of Business Ethics*, 25(2), 123–138.
- Bromell, T. (2017). What is the public interest role of accountants? *The CPA Journal*, 87(8), 6–7.
- Christensen, L. J., Peirce, E., Hartman, L. P., Hoffman, W. M., & Carrier, J. (2007). Ethics, CSR, and sustainability education in the Financial Times top 50 global business schools: Baseline data and future research directions. *Journal of Business Ethics*, 73(4), 347–368.
- Cohen, J., & Hanno, D. M. (1993). An analysis of underlying constructs affecting the choice of accounting as a major. *Issues in Accounting Education*, 8(2), 219–236.

- Cohen, J. R., Pant, L. W., & Sharp, D. J. (1998). The effect of gender and academic discipline diversity on the ethical evaluations, ethical intentions and ethical orientation of potential public accounting recruits. *Accounting Horizons*, 12(3), 250–270.
- Cohen, J. R., Pant, L. W., & Sharp, D. J. (2001). An examination of differences in ethical decision-making between Canadian business students and accounting professionals. *Journal of Business Ethics*, 30(4), 319–336.
- Dalci, İ., Araslı, H., Tümer, M., & Baradarani, S. (2013). Factors that influence Iranian students' decision to choose accounting major. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 3(2), 145–163.
- Davenport, L., & Dellaportas, S. (2009). Interpreting the public interest: A survey of professional accountants. *Australian Accounting Review*, 19(1), 11–23.
- Debeljak, J., & Krkač, K. (2008). “Me, myself & I”: Practical egoism, selfishness, self-interest and business ethics. *Social Responsibility Journal*, 4(1/2), 217–227.
- Douglas, P. C., Davidson, R. A., & Schwartz, B. N. (2001). The effect of organizational culture and ethical orientation on accountants' ethical judgments. *Journal of Business Ethics*, 34(2), 101–121.
- Dunbar, K. (2017). Problem solving. In W. Bechtel, & G. Graham (Eds.), *A Companion to Cognitive Science* (pp. 289–298). Wiley Blackwell.
- Eaton, T. V., Smith, K. J., & Stephens, P. (2025). Ethics education approaches in accounting programs: A comparative analysis of standalone versus integrated models. *Accounting Education: An International Journal*, 34(1), 45-68.
- Eagly, A. H. (1987). *Sex differences in social behavior: A social-role interpretation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Enget, K., Garcia, J. L., & Webinger, M. (2020). Majoring in accounting: Effects of gender, difficulty, career opportunities, and the impostor phenomenon on student choice. *Journal of Accounting Education*, 53.
- Forsyth, D. R. (1980). A taxonomy of ethical ideologies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39(2), 175-184.

- Freeman, S. (1991). Contractualism, moral motivation, and practical reason. *Journal of Philosophy*, 88(6), 281–303.
- Frémeaux, S., Puyou, F.-R., & Michelson, G. (2020). Beyond accountants as technocrats: A common good perspective. *Critical Perspectives on Accounting*, 67–68.
- Gautschi, F. H., & Jones, T. M. (1998). Enhancing the ability of business students to recognize ethical issues: An empirical assessment of the effectiveness of a course in business ethics. *Journal of Business Ethics*, 17(2), 205–216.
- Gilligan, C. (1982). *In a different voice: Psychological theory and women's development*. Cambridge, MA: Harvard University Press. doi: 10.2307/2067520
- Giacomin, O., Janssen, F., & Shinnar, R. S. (2025). Individual religiosity and perceptions of unethical behavior: Evidence from business students. *Journal of Business Ethics*, 186(2), 321–340.
- Gino, F., & Ariely, D. (2012). The dark side of creativity: Original thinkers can be more dishonest. *Journal of Personality and Social Psychology*, 102(3), 445–459.
- Green, S., & Weber, J. (1997). Influencing ethical development: Exposing students to the AICPA code of conduct. *Journal of Business Ethics*, 16(8), 777–790.
- Gustafson, A. (2013). In defense of a utilitarian business ethic. *Business and Society Review*, 118(3), 325–360.
- Haski-Leventhal, D., Pournader, M., & McKinnon, A. (2017). The role of gender and age in business students' values, CSR attitudes, and responsible management education: Learnings from the PRME international survey. *Journal of Business Ethics*, 146, 219–239.
- Healy, L. M. (2007). Universalism and cultural relativism in social work ethics. *International Social Work*, 50(1), 11–26.
- Heiat, A., Brown, D., & Johnson, D. M. (2007). An empirical analysis of underlying factors affecting the choice of accounting major. *Journal of College Teaching & Learning*, 4(8), 83–98.
- Hobbes, T. (1991). *Leviathan* (R. Tuck, Ed.). Cambridge University Press. (Original work published 1651).

- Holt, T. P., Burke-Smalley, L. A., & Jones, C. (2017). An empirical investigation of student career interests in auditing using the Big Five model of personality. Presented at the American Accounting Association Annual Meeting.
- Holland, J. L. (1997). *Making vocational choices: A theory of vocational personalities and work environments* (3rd ed.). Psychological Assessment Resources.
- Holland, J. L. (1959). A theory of vocational choice. *Journal of Counseling Psychology*, *6*(1), 35–45.
- Hofstede, G. (2011). Dimensionalizing cultures: The hofstede model in context. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1), 1–26.
- Ionescu, L. (2016). Mechanisms for enhancing ethical behavior in the accounting profession. *Contemporary Readings in Law and Social Justice*, 8(2), 263–269.
- Kara, A., Rojas-Méndez, J. I., & Turan, M. (2016). Ethical evaluations of business students in an emerging market: Effects of ethical sensitivity, cultural values, personality, and religiosity. *Journal of Academic Ethics*, 14(4), 297–325.
- Karlsson, P., & Noela, M. (2022). Beliefs influencing students' career choices in Sweden and reasons for not choosing the accounting profession. *Journal of Accounting Education*, 58, Article 100756.
- Khalid, F. M., Rauf, F. H. A., Fuad, N. F. A., Saaibon, S., Asri, N. A. M., & Sharom, N. D. (2018). Factors influencing high school students to major in accounting. *Global Business and Management Research*, 10(3), 605–615.
- Keyser, J. D., Smith, L. M., & Stephens, P. (2025). Ethical challenges in professional certification examinations: Maintaining integrity in accounting education. *Journal of Accounting Education*, 62, 100812.
- Kim, D., Markham, F. S., & Cangelosi, J. D. (2002). Why students pursue the business degree: A comparison of business majors across universities. *Journal of Education for Business*, 78(1), 28–32.

- Kohlberg, L. (1984). *The psychology of moral development: The nature and validity of moral stages (Essays on moral development, Volume 2)*. Harper & Row.
- Kontos, P. (2009). Kant (and Scanlon) on Promises: Contractualist Constructivism. *Studi Kantiani*, 22, 67–81.
- Kumar, T. (2017). Factors that influence Bangladeshi student's decisions to major accounting at the entrance of university. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 6(2), 147–171.
- Laksmi, A. C., & Al Hafis, S. I. (2019). The influence of accounting students' perception of public accounting profession: A study from Indonesia. *Journal of Contemporary Accounting*, 1(1), 47–63.
- Landry, R. (2004). An examination of the differences in ethical perceptions between accounting and non-accounting students in Singapore. *Management & Accounting Review (MAR)*, 3(1), 81–102.
- Lessnoff, M. H. (Ed.). (1990). *Social contract theory*. Basil Blackwell.
- Leonard, L. N. K., Riemenschneider, C. K., & Manly, T. S. (2017). Ethical behavioral intention in an academic setting: Models and predictors. *Journal of Academic Ethics*, 15(2), 141–166.
- Locke, J. (1988). *Two treatises of government* (P. Laslett, Ed.). Cambridge University Press. (Original work published 1690).
- Lyons, D. (1976). Ethical relativism and the problem of incoherence. *Ethics*, 86(2), 107–121.
- Marques, P. A., & Azevedo-Pereira, J. (2009). Ethical ideology and ethical judgments in the Portuguese accounting profession. *Journal of Business Ethics*, 86(2), 227–242.
- Martinov-Bennie, N., & Mladenovic, R. (2015). Investigation of the impact of an ethical framework and an integrated ethics education on accounting students' ethical sensitivity and judgment. *Accounting Education*, 24(6), 483-510.
- Merlo, G., & Pravato, G. (2021). Relativism, realism, and subjective facts. *Synthese*, 198(9), 8149–8165.

- Mesch, D. J., Brown, M. S., Moore, Z. I., & Hayat, A. D. (2011). Gender differences in charitable giving. *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 16(4), 342–355.
- Mitchell, A., Puxty, T., Sikka, P., & Willmott, H. (1994). Ethical statements as smokescreens for sectional interests: The case of the UK accountancy profession. *Journal of Business Ethics*, 13(1), 39–51.
- Mubako, G., Bagchi, K., Udo, G., & Marinovic, M. (2020). Personal values and ethical behavior in accounting students. *Journal of Business Ethics*, 174(1), 1–16.
- Mudrack, P. E., & Mason, E. S. (2013). Dilemmas, conspiracies, and Sophie's choice: Vignette themes and ethical judgments. *Journal of Business Ethics*, 118(3), 639–653.
- Neubaum, D. O., Pagell, M., Drexler, J. A., McKee-Ryan, F. M., & Larson, E. (2009). Business education and its relationship to student personal moral philosophies and attitudes toward profits: An empirical response to critics. *Academy of Management Learning & Education*, 8(1), 9–24.
- Nguyen, N. T., Basuray, M. T., Smith, W. P., Kopka, D., & McCulloh, D. N. (2008). Ethics perception: Does teaching make a difference? *Journal of Education for Business*, 84(2), 66–75.
- Owusu, G. M. Y., Bekoe, R. A., Okyere, S. A., & Welbeck, E. E. (2019). What influences the course major decision of accounting and non-accounting students? *Journal of International Education in Business*, 12(1), 26–42.
- Pflugrath, G.,n. Martinov-Bennie, I. Chen. 2007. The impact of codes of ethics and experience on auditor judgments. *Managerial Auditing Journal*, 22(6): 566-589.
- Poje, T., & Zaman Groff, M. (2023). Ways ethics education toolkit impacts moral judgment of accounting students. *Accounting Research Journal*, 36(2/3), 251–273.
- Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Harvard University Press.
- Rasche, A., Gilbert, D. U., & Schedel, I. (2013). Cross-disciplinary ethics education in MBA programs: Rhetoric or reality? *Academy of Management Learning & Education*, 12(1), 71–85.

- Reidenbach, R. E., & Robin, D. P. (1988). Some initial steps toward improving the measurement of ethical evaluations of marketing activities. *Journal of Business Ethics*, 7(11), 871–879.
- Reidenbach, R. E., & Robin, D. P. (1990). Toward the development of a multidimensional scale for improving evaluations of business ethics. *Journal of Business Ethics*, 9(8), 639–653.
- Rest, J. (1973). The hierarchical nature of moral judgment: A study of patterns of comprehension and preference of moral stages. *Journal of Personality*, *41*(1), 86–109.
- Rest, J. R. (1979). *Development in judging moral issues*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Rest, J. R. (1986). *Moral development: Advances in research and theory*. New York: Praeger.
- Rodriguez Gomez, S., Lopez Perez, M. V., Garde Sánchez, R., & Rodríguez Ariza, L. (2020). Factors in the acquisition of ethical training. *Education and Training*, 63(3), 472–489.
- Royae, R., Ahmadi, S. A., & Jari, A. (2013). Students' and faculty members' perceptions of the importance of business ethics and accounting ethics education: Iranian case. *Asian Journal of Business Ethics*, 2(2), 163–171.
- Royaii, R., Ahmadi, S. A., & Jari, A. (2012). Students' and faculty members' perceptions of the importance of business ethics and accounting ethics education: Iranian case. *Asian Journal of Business Ethics*, 1(2), 163–171.
- Saemann, G. P., & Crooker, K. J. (1999). Student perceptions of the profession and its effect on decisions to major in accounting. *Journal of Accounting Education*, 17(1), 1–22.
- Samnani, A. K., Salamon, S. D., & Singh, P. (2014). Negative affect and counterproductive workplace behavior: The moderating role of moral disengagement and gender. *Journal of Business Ethics*, 119(2), 235–244.
- Schlenker, B. R., & Forsyth, D. R. (1977). On the ethics of psychological research: A multidimensional scaling analysis of ethical judgments. *Journal of Experimental Social Psychology*, 13(4), 360-374.

- Schminke, M., Ambrose, M. L., & Miles, J. A. (2003). The impact of gender and setting on perceptions of others' ethics. *Sex Roles*, 48(7-8), 361-375.
- Segal, L., Gideon, L., & Haberfeld, M. R. (2011). Comparing the ethical attitudes of business and criminal justice students. *Social Science Quarterly*, 92(4), 1021-1043.
- Shawver, T. J., & Sennetti, J. T. (2009). Measuring ethical sensitivity and evaluation. *Journal of Business Ethics*, 88(4), 663-678.
- Skitka, L. J., Bauman, C. W., & Mullen, E. (2008). Morality and justice: An expanded theoretical perspective and empirical review. *Justice*, 25, 1-27.
- Smith, A. (1776). *An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations: Volume One*. London: printed for W. Strahan; and T. Cadell.
- Steele, L. M., Johnson, J. F., Watts, L. L., MacDougall, A. E., Mumford, M. D., Connelly, S., & Lee Williams, T. H. (2016). A comparison of the effects of ethics training on international and US students. *Science and Engineering Ethics*, 22(4), 1217-1244.
- Stedham, Y., Yamamura, J. H., & Beekun, R. I. (2007). Gender differences in business ethics: Justice and relativist perspectives. *Business Ethics: A European Review*, 16(2), 163-174.
- Sweeney, B., & Costello, F. (2009). Moral intensity and ethical decision-making: An empirical examination of undergraduate accounting and business students. *Accounting Education*, 18(1), 75-97.
- Tang, L. C., & Seng, C. (2016). Factors influence students' choice of accounting major in Cambodian universities. *Asian Review of Accounting*, 24(2), 231-251.
- Tan, L. M., & Laswad, F. (2006). Students' beliefs, attitudes and intentions to major in accounting. *Accounting Education: An International Journal*, 15(2), 167-187.
- Taplin, R., Singh, A., Kerr, R., & Lee, A. (2018). The use of short role-plays for an ethics intervention in university auditing courses. *Accounting Education*, 27(4), 383-402.
- Thomas, S. (2012). Ethics and accounting education. *Issues in Accounting Education*, 27(2), 399-418.

- Tormo-Carbó, G., Oltra, V., Seguí-Mas, E., & Klimkiewicz, K. (2016). How effective are business ethics/CSR courses in higher education? *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 228, 567–574.
- Velayutham, S. (2003). The accounting profession's code of ethics: Is it a code of ethics or a code of quality assurance? *Critical Perspectives on Accounting*, 14(4), 483–503.
- Wang, L. C., & Calvano, L. (2015). Is business ethics education effective? An analysis of gender, personal ethical perspectives, and moral judgment. *Journal of Business Ethics*, 126(4), 591–602.
- Yulianti, Y., M.W. Zarkasyi, H. Suharman, & R. Soemantri. 2023. Effects of professional commitment, commitment to ethics, internal locus of control and emotional intelligence on the ability to detect fraud through reduced audit quality behaviors. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 12(3): 36-48.
- Zhang, N., Zhang, J., & Wang, J. (2017). Empathy as moderator of gender differences in Chinese insurance agents' business ethical sensitivity. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 45(6), 1029–1042.

